

آزادی مدنی زن کیست؟

گفتید عتق؟ حق دارید. سابق که می‌خواستند کسی را تحقیر کنند، می‌گفتند «او زن کیست؟». حتماً می‌گویید بسیار خوب، یک وقت مردم جاهل بودند و متوجه نمی‌شدند که این گونه حرف زدن توهین در حق زنان است؛ حالا تو چرا این قسم حرف می‌زنی؟ پاسخ من این است که خوب می‌کنم این طور حرف می‌زنم. از حق آزادی مدنی خود...



قسمت سیزدهم | صفحه ۴

سرزمین‌های درهم‌شکسته:

جهان عرب چگونه فروپاشید؟

۱۶. مجد ابراهیم (سوریه)
مجد سه ماه را در دمشق سپری کرده بود، درحالی‌که مبارزات خیابانی در سراسر زادگاهش جریان داشتند. اگرچه فضای پایتخت به شکلی غم‌انگیز آرام بود، اما او اشتیاق داشت هرچه زودتر به خانواده‌اش...



عزیزی بانک جایزه بهترین بانک خصوصی افغانستان در سال 2016 و جایزه بهترین رئیس اجرایی بانک را در نشست همکاری های کشورهای جنوب آسیا (South Asian Partnership Summit) که در ماه اکتوبر سال جاری در شهر کولمبو، سریلانکا برگزار شده بود دریافت کرد.



www.azizibank.af

1515



سایه‌ی سنگین تروریزم بر افغانستان

شورای امنیت سازمان ملل متحد اخیراً در گزارشی گفته است که حدود ۴۵ هزار جنگجوی مسلح در افغانستان حضور دارند و علیه دولت می‌جنگند. این گزارش توسط گروهی از کارشناسان سازمان ملل متحد که مسئول نظارت بر تحریم‌های طالبان است، تهیه شده است. بر اساس این گزارش، حدود یک چهارم این جنگجویان خارجی‌اند و القاعده نقش مهمی را در حمایت از این ستیزه‌جویان ایفا می‌کند.

در حالی که یک‌ونیم دهه است جنگ علیه تروریزم در افغانستان جریان دارد، موجودیت این شمار بزرگ ستیزه‌جویان در افغانستان، برای مردم شوک‌آور است. پس از یک‌ونیم دهه جنگ با تروریزم و مصرف میلیاردها دلار در این کشور، هیچ‌کسی نمی‌تواند باور کند که این پدیده نه تنها نابود نگردیده است، بلکه با گذشت هر روز قدرت‌مندتر شده است. از این رو، چند نکته در این زمینه قابل طرح است...



رشد نجومی آوارگان؛

امسال بیش از ۹۵ هزار خانواده در اثر جنگ‌ها بیجا شده‌اند

صفحه ۲

HD VOICE

تماس‌های بین‌المللی با نازلترین نرخ

افغانی فی دقیقه

5.999

هنگری

بلغاریا

فنلند

دنمارک

سوئد

ناروی

جرمنی



و به شمول 30 کشور دیگر جهان بدون فیس اضافی و یا نیاز به فعالسازی، زنگ بزنید.

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

www.afghan-wireless.com

152

دوشنبه	
۱۷ عقرب	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۱۸۱	
اطلاعات روز	

یادداشت روز

سایه‌ی سنگین تروریزم بر افغانستان

شورای امنیت سازمان ملل متحد اخیرا در گزارشی گفته است که حدود ۴۵ هزار جنگجوی مسلح در افغانستان حضور دارند و علیه دولت می‌جنگند. این گزارش توسط گروهی از کارشناسان سازمان ملل متحد که مسئول نظارت بر تحریم‌های طالبان است، تهیه شده است. بر اساس این گزارش، حدود یک چهارم این جنگجویان خارجی‌اند و القاعده نقش مهمی را در حمایت از این ستیزه‌جویان ایفا می‌کند.

در حالی‌که یک‌ونیم دهه است جنگ علیه تروریزم در افغانستان جریان دارد، موجودیت این شمار بزرگ ستیزه‌جویان در افغانستان، برای مردم شوک‌آور است. پس از یک‌ونیم دهه جنگ با تروریزم و مصرف میلیاردها دالر در این کشور، هیچ‌کسی نمی‌تواند باور کند که این پدیده نه‌تنها نابود نگردیده است، بلکه با گذشت هر روز قدرت‌مندتر شده است. از این‌رو، چند نکته در این زمینه قابل طرح است:

اول، حضور این شمار بزرگ جنگجویان خارجی در افغانستان نشانه‌ی واضح ناکامی سیاست‌های مبارزه علیه تروریزم می‌باشد. سال‌ها مبارزه علیه تروریزم به آن نتیجه‌یی که در آغاز برای آن مطرح شده بود، نرسیده است. این شمار تروریستان در افغانستان نه‌تنها امنیت این کشور را به چالش مواجه کرده، بلکه می‌توانند افغانستان را به یک تهدید جدی علیه امنیت منطقه و جهان مبدل سازد. این تهدید در قدم اول متوجه کشورهای همجوار افغانستان می‌شود و در نهایت این امکان به‌شکل بالقوه وجود دارد که تروریزم با شکل‌دهی پایگاه‌های دائمی خود در افغانستان و برقراری ارتباط با عناصر تندرو در کشورهای دیگر جهان، اقدامات تروریستی را در کشورهای امن جهان انجام دهند. بنابراین، برخلاف شعارهای اولیه که «افغانستان دیگر تهدیدی برای امنیت جهان نخواهد بود»، این تهدید کماکان باقی است و سیاست‌های جامعه‌ی بین‌المللی در قبال تروریزم در افغانستان با دست‌آورد زیادی به همراه نبوده است.

دوم، ناکامی در قبال تروریزم محصول عملکرد دولت افغانستان و جامعه‌ی جهانی می‌باشد. دولت افغانستان با اتخاذ سیاست‌های غیرشفاف در مقابل گروه‌های تروریستی، حمایت‌های ضمنی برخی از مقام‌های دولتی از طالبان، اصرار یکجانبه بر صلح و آشتی با گروه‌های تروریستی، مخالفت با برخی برنامه‌های نظامی جامعه‌ی جهانی به‌خصوص منع عملیات شبانه، عدم جلوگیری از منابع تمویل گروه‌های تروریستی، ارائه‌ی خدمات ضعیف به شهروندان و گسترش فساد و بازار سیاه در کشور به تقویت تروریزم در افغانستان کمک کرده است. این اقدامات نادرست تاکنون بعضا خواسته و بعضاً هم ناخواسته انجام شده و همه به‌نحوی آن را درک می‌کنند. چه‌بسا اشتباهات و برنامه‌های سیستماتیک دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشند که به سود گروه‌های تروریستی و مخالفان مسلح دولت انجام شده باشند و کسی از آن اطلاع ندارند. سیاست‌های جامعه‌ی جهانی نیز در قبال طالبان، القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی نوسانات زیادی داشته است. عدم سروکوب کامل تروریستان در آغاز جنگ با تروریزم در افغانستان، بی‌توجهی به خواست‌گاه‌ها و منابع تمویل و تجهیز تروریزم و برخورد دوگانه با گروه‌های تروریستی، از اشتباهات مهم جامعه‌ی جهانی در افغانستان بود. همین اشتباهات بزرگ و سیاست‌های نامشخص در قبال تروریزم، زمینه را برای فربه شدن هرچه بیشتر تروریزم فراهم کرده و افغانستان را یکبار دیگر تبدیل به بستر مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی کرده است.

سوم، تروریزم دارای خواستگاه‌ها و پایگاه‌های مطمئنی در منطقه است. گروه‌های مختلف تروریستی به‌مثابه‌ی ابزار جنگ‌های نیابتی از حمایت کشورها و سازمان‌های مختلف استخباراتی برخوردار می‌باشند. وجود شمار بزرگ جنگجویان وابسته به گروه‌های تروریستی در افغانستان مویذ این ادعا است. این گروه‌ها بدون حمایت‌های خارجی و منابع تمویل مالی قوی نمی‌توانند در سنگرهای نبرد مقاومت کنند. هزینه‌های هنگفتی فراتر از منابع موجود داخلی نظیر مواد مخدر، درآمدهای معادن و فعالیت‌های مافیایی، وجود دارند که توانسته‌اند این جنگجویان را در میدان‌های جنگ حفظ کنند. بدون شک این بازی تحت تاثیر مناسبات موجود در نظام بین‌الملل و همچنین تحولات جاری در منطقه و جهان می‌باشد. با توجه به وضع موجود و آشفتگی روابط میان کشورهای قدرت‌مند جهان، این نگرانی وجود دارد که پدیده‌ی تروریزم بیشتر از این گسترش یابد.

اطلاعات روز: هارون چخانسور، سخن‌گوی ریاست‌جمهوری می‌گوید که در سال جاری از اثر جنگ‌ها ۹۵ هزار و ۵۷۵ خانواده از خانه‌های‌شان بیجا شده‌اند.

آقای چخانسوری دیروز در نشست خبری در کابل گفت که این تعداد خانواده‌ها در ۱۱ ولایت کشور از اثر جنگ‌ها بیجا شده‌اند.

چخانسوری افزود که از اول عقرب تا پانزدهم این ماه، ۲۹ هزار و ۴۵۶ خانواده که ۳۱ درصد کل بیجاشدگان اخیر است، به خانه‌های‌شان برگشت کرده‌اند، اما ۶۹ درصد از این بیجاشدگان هنوز هم آواره‌اند.

آقای چخانسوری تاکید کرد که تلاش‌ها برای بازگرداندن ۶۹ درصد بیجاشدگان دیگر به خانه‌های‌شان جریان دارد و اگر در فصل زمستان زمینه‌ی برگشت‌شان فراهم نگردد،برای آن‌ها کمک‌های ضروری در نظر گرفته می‌شود تا به مشکلات‌شان رسیدگی شود.

او یادآور شد که کمک‌ها برخلاف گذشته برای نیازمندان به‌صورت هماهنگ توزیع می‌شود. او تصریح کرد که برای

رشد نجومی آوارگان؛ امسال بیش از ۹۵هزار خانواده‌در اثر جنگ‌ها بیجا شده‌اند

نیازمندان در سه مرحله کمک‌رسانی صورت می‌گیرد. به گفته‌ی چخانسوری، میزان کمک به خانواده‌های بیجاشدگان با درنظر داشت میزان نیازمندی آنان صورت می‌گیرد.

از سوی هم سخن‌گوی ریاست‌جمهوری گفت که حکومت برای کشته‌شده‌ها و زخمیان جنگ‌های اخیر ۱۱ ولایت ۱۹۵ میلیون و ۵۰۰ هزار افغانی اختصاص داده‌است. این مقدار پول شامل کمک غذایی، لباس و پول نقد است.

در ماه‌های اخیر ولایت‌های، قندوز، هلمند، فراه، ننگرهار، بغلان و فاریاب بیشتر شاهد ناامنی بوده است. پس از حمله‌ی طالبان در ماه میزان بر شهر قندوز، تنها از این ولایت ده‌ها هزار خانواده بیجا شده بودند.

امضای تفاهم‌نامه‌ی کمک به ۷۶۰ هزار بیجاشده و عودت‌کننده میان وزارت مهاجرین و اداره‌ی WFP

در همین حال وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان از امضای یک تفاهم‌نامه میان این وزارت و رییس عمومی برنامه‌ی غذایی جهان سازمان ملل (WFP) در افغانستان به هدف کمک به بیش از ۷۰۰ هزار بیجاشده‌ی داخلی و

شهرداری کابل پنج هزار شغل در کابل ایجاد می‌کند

انکشافی ایالات متحده‌ی امریکا تمویل می‌گردد. این برنامه خدماتش را در ۱۲ شهر افغانستان به‌شمول کابل توسط مؤسسه‌ی هبیتات ملل متحد گسترش می‌دهد و هدف آن زیبا ساختن شهرکابل، جمع‌آوری کثافات از داخل شهر، همچنان کاهش آلودگی هوا می‌باشد.

برنامه ی «انکشاف خانه‌ها به‌منظور استفاده‌ی مؤثر از انرژی» از سوی دیگر شهرداری کابل در این خبرنامه گفته است که تفاهم‌نامه‌ی برنامه‌ی «انکشاف خانه‌ها به‌منظور استفاده‌ی مؤثر از انرژی» با هزینه‌ی دو میلیون یورو با یک مؤسسه‌ی غیردولتی فرانسوی به‌نام «جرس» به امضا رسیده است. در خبرنامه آمده که از طریق این برنامه حدود ۴۵۰۰ منزل مسکونی تحت پوشش «خدمات و آموزش» قرار می‌گیرد.

یک زن استرالیایی در کابل ربوده شد

نیست و پولیس در حال پی‌گیری این موضوع است. مسئولیت این آدم‌ربایی را هنوز فرد یا گروهی به عهده نگرفته است.

رییس تحقیقات جنایی پولیس کابل گفته که این خانم با مؤسسه‌ی غیردولتی «اکبر» کار می‌کرده است.

سفارت استرالیا در کابل نیز این رویداد را تأیید کرده و از تمامی شهروندان خود خواسته است که سفرشان را به افغانستان، به حالت تعلیق درآورند.

رویدادهای ربایندگی و جرایم جنایی در شهر کابل بالا است و هر از گاهی امن‌ترین مکان‌های کابل شاهد آدم‌ربایی و جرایم جنایی بوده است. مردم پولیس کابل

پنجمین نمایشگاه بزرگ کتاب هرات به هدف ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی گشایش یافت

راه ترویج کتاب‌خوانی برگزاری نمایشگاه‌ها بوده و آنان تلاش می‌کنند که با راه‌اندازی برنامه‌های گوناگون کتاب‌خوانی و نمایشگاه‌ها، جوانان را به هدف کتاب‌خوانی و مطالعه تشویق کنند.

احسان ضعیفی، یکی از فروشنندگان کتاب در هرات در مراسم افتتاح این نمایشگاه گفته است: «امروز عصر انترنت است و بیشتر محصلین دسترسی به انترنت دارند و مشکلات‌شان را از این طریق حل می‌کنند. بازار کتاب کمی کساد است.»

رادیو سلام‌وطندار گزارش داده که در این نمایشگاه کتاب‌های دینی، عرفانی، سیاسی، تاریخی، فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات، کتاب‌هایی برای دانشجویان و دانش‌آموزان و برخی از کتاب‌های غربی که به زبان فارسی برگردان و ترجمه شده‌اند به نمایش گذاشته می‌شوند.

از پنج سال بدین‌سو هر ساله نمایشگاه کتاب هرات برای ۱۰ روز برگزار می‌شود.

بازداشت ۱۹۱ تن به اتهام جرایم مختلف در جریان دو هفته‌ی گذشته در کابل

هفت فیر مرمی (بی ام یک) خبیر داده و گفت این مرمی‌ها از سوی تروریستان جهت اعمال تخریبی و کشتار مردم در نقاط مختلف شهر کابل جاسازی شده‌بود.

همچنان آقای رحیمی گفت که پولیس یک دیپوی بزرگ مهمات و مواد انفجاری را از ناحیه‌ی نوزدهم شهر کابل کشف و به‌دست آورده‌است. به گفته‌ی او، از این دیپو ۳۷۸ فیر مرمی راکت آر پی جی و ۶۵۰۰ قلم مواد مختلف انفجاری از جمله نارنجک‌انداز و کلاشینکوف به‌دست آورده است.

شهر کابل بازداشت شده‌اند.

رحیمی افزود که از میان این تعداد، ۹ تن به اتهام قتل، ۶۵ تن به اتهام سرقت، پنج تن به اتهام حمل غیرقانونی سلاح، ۳۳ تن به اتهام شرکت در جنگ مغلویه، ۲۴ تن به اتهام جرایم اخلاقی، ۳۱ تن به اتهام فروش مواد مخدر بازداشت شده‌اند.

به گفته‌ی رحیمی، هشت تن دیگر نیز به اتهام ارتکاب جرایم تروریستی و بقیه در رویدادهای مختلف بازداشت شده‌اند.

از سوی دیگر فرمانده زون ۱۰۱ آسمایی کابل از کشف

خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

شرطیات و قطعیات

به این جمله‌ی ساده توجه کنید «اگر فاروق وردک پول مکاتب را به جیبش نمی‌زد، حتماً یکی دیگر می‌زد». این جمله در اول یک جمله‌ی شرطی به نظر می‌رسد، اما وقتی به آخرش برسیم، می‌بینیم که شرطی نبوده، قطعی بوده. حالا اگر بخواهیم این جمله‌ی قطعی را به جمله‌ی شرطی تبدیل کنیم، می‌توانیم چنین بنویسیم: اگر محترم فاروق وردک پول معارف را به جیبش نمی‌زد، ممکن بود رییس کمیسیون مستقل انتخابات شود. هرچند این جمله‌ی شرطی است، اما شرطی خالص نیست، شرطی اندر شک است. به این معنا که اگر آن بزرگوار پول معارف را به بانک خودش منتقل نمی‌کرد، امکان داشت رییس کمیسیون مستقل انتخابات شود، امکان داشت نشود. این جمله‌ی شرطی اندر شک، باز یک قاطعیت را در بر دارد. به این معنا که اگر پول معارف را نمی‌زد، ممکن بود رییس کمیسیون مستقل انتخابات شود و اگر احیاناً رییس کمیسیون مستقل انتخابات، انتخاب نمی‌شد؛ به یک پُست مهم دیگر گماشته می‌شد. مثلاً ممکن بود وزیر تحصیلات عالی شود، ممکن بود سفیر افغانستان در عربستان شود، ممکن بود حتا به جای استاد محمدکریم خلیلی رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان مقرر شود. یعنی سپردن یک بخش کار مملکت به دست او، قطعی بود. هرچند که اکنون نیز به او سپرده شده است. برایش موفقیت آرزو دارم.

جملات ساده‌ی بالا، به لحاظ دستوری نمی‌تواند شرطی باشند، چون روی بعضی از واقعیت‌ها بحث می‌کنند. جملات شرطی معمولاً روی نتایج رویایی و غیرواقعی بحث می‌کنند. مثلاً، اگر من غذا بخورم و چند روز تشناب نرم، منفجر می‌شوم. این انفجار، رویایی است و پوشش واقعی پیدا نمی‌کند. به این معنا که، چه جامعه‌ی جهانی بخواهد، چه نخواهد، مردم که غذا خوردند، برای رفع حاجت به تشناب می‌روند. نتیجه این می‌شود که آن انفجار رویایی، صورت نمی‌گیرد.

حالا در ادامه‌ی جملات شرطی و قطعی، ما کارهای شرطی و قطعی نیز داریم. به‌طور مثال، اشرف غنی جنرال دوستم را به شرط رای اوزبیک‌ها به‌حیث معاون اولش انتخاب کرد. در کارهای شرطی برخلاف جملات شرطی، صحبت تنها روی نتایج رویایی و غیرواقعی نیست، بلکه صحبت از واقعیت‌ها نیز است. در مثال ساده‌ی اشرف غنی و دوستم، می‌بینیم که آقای غنی چشم به رای اوزبیک‌ها داشته نه به جنرال دوستم. فرق میان واقعیت و رویا همین است. آقای غنی می‌دانست رای تاجیک‌ها را نخواهد داشت، رای هزاره‌ها را نیز کامل با خود نداشت. بناءً او با توجه به این واقعیت‌ها سراغ جنرال دوستم رفت و کام دل به‌دست آورد. اما جنرال دوستم که دل به رویای معاونیت اول ریاست‌جمهوری بسته بود، تقریباً به هیچ چیزی نرسیده است. نه‌تنها نرسیده است که اکنون باید تلاش کند اندوخته‌های قبلی‌اش را نبازد. (ببخشید اگر ممکن است یک تلفن من من بزنید، این جنجال بسیار پیچیده شده و من نتوانستم درست حل‌اش کنم).

در کنار کارهای شرطی، کارهای قطعی نیز وجود دارد. به‌طور مثال جنرال جان نیکلسون فرمانده‌ی عمومی نیروهای امریکایی در افغانستان گفته که ممکن است آن ۳۰ غیرنظامی که چهارشنبه شب در قندوز کشته شده‌اند، در حمله‌ی هوایی کشته شده باشند و قول داد که با حکومت افغانستان به‌صورت مشترک روی این مسأله تحقیق خواهد شد. اگر آن سی غیرنظامی در حمله‌ی هوایی کشته شده باشند، به این معناست که حکومت افغانستان و نیروهای امریکایی اشتباه کرده‌اند. این نوع کار را، کار قطعی می‌گویند. به این معنا که، آن‌هایی که اشتباه کرده‌اند، خود به‌خاطر اعتراض مردم روی اشتباه‌شان تحقیق می‌کنند و نتیجه‌ی تحقیق هم از همین حالا معلوم است. چیزی تغییر نخواهد کرد.

اما اگر بخواهیم جملات و کارهای شرطی و قطعی، همه را در یک جمله و در یک مثال قرار بدهیم، می‌توانیم بگوییم که: برادر عزیز! چرا کاسه‌ی بی‌خیری و بی‌خردی خود را بر فرق رهبران این کشور بشکنیم؟ تا وقتی که ما (اقوام باهم برادر افغانستان) حاضریم به جان هم بیافیم و دور از جان سگ، مثل سگ هم‌دیگر را پاره‌پاره کنیم، این رهبران حق دارند از ما استفاده کنند و نوش جان‌شان! بدی، سفاکی، خیانت، حماقت و رذالت رهبران از ما سرچشمه می‌گیرد. اگر دروغ می‌گویم بروید دنبال کنید که چه کسی دنبال تفرقه‌های قومی-مذهبی در ولایت بامیان است و اگر مردم بامیان چه تاجیک چه هزاره، حاضر نشوند به سر و صورت هم بزنند، رهبر نه که بیخی رییس‌جمهور هم در پی نفاق باشد، والله اگر هیچ یخنی پاره شود و هیچ سری بشکند.

سرما و خاموشی

خلیل پژواک



مثال، شرکت توزیع برق برشنا، هر دو ماه صرفیه‌های برق را جمع‌آوری می‌کند. بر مبنای قانونی که تدوین شده، بسیاری خانواده‌ها در طول دو ماه بیش از حد معین، انرژی مصرف می‌کنند و در نتیجه با این جریمه روبه‌روند که باید «بیش از دو افغانی در هر کیلووات» بپردازند. اماکن تجاری ۱۲ افغانی در برابر مصرف هر کیلووات برق باید بپردازند. آن‌ها نیز با خطر افزایش هزینه‌ی برق به‌دلیل مصرف بیش از اندازه‌ی تعیین‌شده مواجه‌اند. ممکن است، پرداخت صرفیه‌ی برق در هر دو ماه ریشه در ضعف مدیریتی شرکت برشنا داشته باشد؛ اما هزینه‌ی این ناتوانی را مردم می‌پردازند، ضمن آن‌که برشنا از این وضعیت سود می‌برد.

با شتابزدگی می‌توان پرسید، چرا برشنا قادر نیست بدهی‌های زورمندان را بگیرد؟ چرا پس از نزدیک به هفت سال، هنوز این شرکت ناتوان از تأمین برق شهروندان پایتخت و ایجاد میکانیزمی است که بی‌نظمی موجود را به حداقل برساند؟ در حال حاضر حساب کسانی که صرفیه‌ی برق‌شان را به برشنا تحویل نداده‌اند، بیش از ۳ میلیارد افغانی است. چرا برشنا قادر نیست این بدهی را بگیرد؟

در درجه‌ی اول، واقعیت این است که برشنا بیش از اندازه درگیر فساد است. این فساد در سطوح و لایه‌های مختلف وجود دارد. برای مثال، به تازگی ۳۰ کارمند شرکت برشنا به‌دلیل فساد در محاسبه‌ی صرفیه‌ی برق برکنار و به دادستانی معرفی شده‌اند. در کنار آن، برشنا درگیر زد و بندهای سیاسی نیز است. عمر زاخیلوال، کسی که بیشترین سهم را در شرکت برشنا دارد، پیش از آن‌که یک سرمایه‌گذار باشد، سیاست‌مدار است. مسأله‌ی تغییر مسیر برق ۵۰۰ کیلووات ترکمنستان نیز ریشه در همین مورد دارد. طبیعی است که اغماض، سهل‌انگاری و رواداری در برابر زورمندان که ریشه در وجه سیاسی شرکت برشنا دارد، این شرکت را در گرداب فساد سیاسی فرو می‌برد و آسیب می‌زند. از منظری دیگر، مشکل بدهی‌های میلیاردی به برشنا، ریشه در قانون‌گریزی و فساد حاکم دارد. کمتر زورمندی خودش را متعهد و ملزم به اجرای قانون می‌داند. می‌توان بی‌اعتنایی به قانون را در گشت‌وگذار زورمندان در سرک‌های کابل و تا مسایل کلان‌تری مانند مسایل سیاسی و اقتصادی مشاهده کرد. فساد اداری نیز عامل

دست‌های من به‌شدت سرد شده‌اند. انگشت‌هایم را باید مدام به‌هم بمالم تا بتوانم روی کیبورد با قدرت بیشتری فشارشان دهم. احتمالاً شما هم تجربه‌ی مشابهی دارید، یا شاید بدتر از من، به اندازه‌ی کافی سرما خورده‌اید و خانه‌ی‌تان نیز تاریک است. سرمای کابل کم‌کم از راه می‌رسد و ما نیز به مشکل معمولی برخوردیم که گویا قابل حل نیست؛ بی‌برقی، سرما و تاریکی.

در یک سال گذشته، «برق» بیش از هر خبری دیگر، خوراک رسانه‌ها بوده و به همان نسبت نیز پرماجرا و سرشار از کشمکش. اعتراض‌های جنبش روشنائی مبنی بر توزیع عادلانه‌ی برق (در سال‌های آینده) این روزها پیش از آن‌که اعتراض مدنی باشد، از وجه سیاسی سنگینی برخوردار شده و عملاً به بن‌بست رسیده است. واقعیت اما این است که مشکل بی‌برقی، خدمات ضعیف شرکت توزیع برق برشنا و نیازمندی روزافزون شهروندان به برق، به حدی ملموس و عینی است که حتا بر فرض کشانده شدن این مشکل به مجامع سیاسی، نمی‌توان از کنارش به‌سادگی گذشت.

مسأله‌ی برق صرفاً به ماسترپلان عمومی برق و اجرای این پروژه خلاصه نمی‌شود. کمبود برق در کابل و ولایات، تاریکی فراگیر، قیمت بلند برق، فساد در برشنا و عدم شفافیت در توزیع و حساب‌رسی آن مشکلاتی‌اند که یک‌و‌نیم دهه پس از سقوط طالبان کماکان لاینحل باقی مانده‌اند. مشکل چند سویه است. از یک‌طرف، برشنا شرکت سهامی‌یی است که از کمترین میزان شفافیت برخوردار است و از مدیریت ضعیف و میکانیزم غیرشفاف در توزیع برق و تصفیه‌ی صرفیه‌های آن رنج می‌برد. از جهتی دیگر، زورمندان و برخی وزارت‌خانه‌ها از دادن بدهی‌های‌شان می‌پرهیزند و در سوی دیگر، شهروندان عادی‌یی قرار دارند که مجبوراند همزمان هزینه‌ی این فساد را چه در توزیع برق و چه در تأمین مخارج آن، بپردازند.

هنوز زمستان از راه نرسیده، برق پایتخت نظم معمولش را از دست داده است. بی‌برقی و پناه جستن به چراغ‌های گازی یا نفتی حتا در دهات نیز دیگر معمول نیست؛ اما پایتخت‌نشینان مجبورند میان تاریکی و استفاده از امکانات اندک برای روشن نگه‌داشتن خانه‌های‌شان دست به انتخاب بزنند. قیمت برق نیز برای جمعیتی که در فقر عمومی دست‌وپا می‌زند، پرهزینه است. برای

با شتابزدگی می‌توان

پرسید، چرا برشنا

قادر نیست بدهی‌های

زورمندان را بگیرد؟ چرا

پس از نزدیک به هفت

سال، هنوز این شرکت

ناتوان از تأمین برق

شهروندان پایتخت و

ایجاد میکانیزمی است

که بی‌نظمی موجود را به

حداقل برساند؟ در حال

حاضر حساب کسانی که

صرفیه‌ی برق‌شان را به

برشنا تحویل نداده‌اند،

بیش از ۳ میلیارد افغانی

است. چرا برشنا قادر

نیست این بدهی را

بگیرد؟

مؤثر دیگری است که توانایی شرکت برشنا در مدیریت برق را آسیب زده است.

از این جهت، برشنا در عمل به ناتوانی در توزیع برق و ایجاد سیستم قدرتمند اعتراف کرده است. تداوم اتکا به شرکت برشنا می‌تواند حتا نیاز اولیه‌ی شهروندان، برخورداری از برق، را پیچیده سازد؛ کما آن‌که در جریان اعتراضات جنبش روشنائی همین کار شد. به نظر می‌رسد، باید شرکت برشنا تحت نظارت جدی حکومت قرار بگیرد و از استقلال کنونی‌اش خارج شود. حتا مسئولان شرکت برشنا باید به پارلمان و حکومت به‌صورت مستمر باید پاسخگو باشد. حکومت ناگزیر است در طرح توسعه‌ی برق تجدید نظر جدی کند. تمهیداتی باید سنجیده شود تا خدمات اولیه خارج از پروژه‌های سیاسی به مردم عرضه شود.

سرزمین‌های درهم‌شکسته:

جهان عرب چگونه فرو پاشید؟

نیویورک تایمز/اسکات اندرسون ■ ترجمه: معصومه عرفانی

قسمت سیزدهم

فصل سوم: بهار عربی (۲۰۱۱-۲۰۱۴)



۱۶. مجد ابراهیم (سوریه)

مجد سه ماه را در دمشق سپری کرده بود، درحالی‌که مبارزات خیابانی در سراسر زادگاهش جریان داشتند. اگرچه فضای پایتخت به شکلی غم‌انگیز آرام بود، اما اشتیاق داشت هرچه زودتر به خانواده‌اش بازگردد و تحصیلاتش را از سر بگیرد. سرانجام در ماه می ۲۰۱۲، وضعیت در حمص به اندازه‌ی آرام شده بود که دانشگاه بازگشایی شود.

مجد در طول اقامتش در دمشق، مرتب با خانواده و دوستانش در تماس بود و به‌خوبی می‌دانست که در آن زمان، جنگ در حمص در محله‌ی بابا عمرو متمرکز شده است. به او گفته بودند که آسیب‌ها شدید و گسترده است، اما او برای روبه‌رو شدن با حقیقت آماده نبود. او به‌یاد می‌آورد که «ما آن روز در مسیر بازگشت از کنار آن عبور کردیم. و... خوب، نابود شده بود، همه‌چیز نابود شده بود. همه باید این را ببینند. اگر مردم محله‌ی بابا عمرو را امروز ببینند، این می‌تواند درس عبرتی برای‌شان باشد. آن‌ها درک خواهند کرد که جنگ چقدر وحشتناک است». خام‌بودن این تصور خیلی زود مشخص شد: چند هفته پس از بازگشت مجد، نبرد بر سر حمص بار دیگر آغاز شد و این بار حکومت شورشیان را در محله‌ی خالدیه هدف قرار داد. از آن‌جا که توپخانه‌ی اصلی ارتش در منطقه‌ی وائر قرار داشت، این بدان معنا بود که در تمام ساعت‌های شبانه‌روز، آتش گلوله‌ها مستقیماً از بالای سر آپارتمان خانوادگی ابراهیم می‌گذشت.

مجد گفت: «زمانی که گلوله‌ها از بالای سر ما می‌گذشتند، مثل این بود که هوا را می‌مکیدند. راه دیگری برای توصیف آن ندارم، ولی می‌توانی آن را در ریه‌های خود حس کنی. برای شاید نیم دقیقه پس از آن، تنفس دشوار می‌شد، انگار که هیچ اکسیژنی وجود نداشته باشد».

جنگ در حمص در سراسر تابستان ۲۰۱۲ به‌شدت جریان داشت، ارتش سوریه یکی‌یکی محله‌های شورشیان را هدف قرار می‌داد و حملات نیروهای زمینی با پشتیبانی تانک‌ها و هلیکوپترها راه‌اندازی می‌شد. گرچه در تمام این مدت، منطقه‌ی وائر که متعلق به طبقه‌ی متوسط بود، در آرامشی نسبی قرار داشت. با جمعیت متنوع آن منطقه، شامل سنی‌ها، علوی‌ها و مسیحیان، هیچ‌کدام از شبه‌نظامیان شورشی نمی‌توانستند قدرت را در آن‌جا به‌طور کامل به دست بگیرند، و اگر این شبه‌نظامیان موفق به گرفتن کنترل

نشده بودند، ارتش سوریه که هرگز موفق نمی‌شد. در پاییز سال ۲۰۱۲، شرایط رو به تغییر گذاشت. مجد متوجه شد که در خیابان‌های وائر مردان جوان مسلح بیشتری وجود دارند، و اکثر کسانی که لباس نظامی به تن داشتند اعضای ارتش آزاد سوریه بودند. مردان مسلح نیز مجد را زیر نظر داشتند. او در ۲۰ سالگی و در بهترین سن برای جنگ قرار داشت. رفت‌وآمد روزانه‌ی او به دانشگاه هر روز بیشتر استرس‌زا می‌شد، چراکه افراد مسلح می‌خواستند بدانند آیا او از متحدان است یا نه، و یا او را به‌خاطر نپیوستن آزار می‌دادند.

خانواده‌ی ابراهیمی، باتوجه به تنش‌های در حال گسترش در وائر، یک «خانه‌ی امن» اجاره کردند. این اقدامی بود که بسیاری از ساکنان مرفه شهر برای تأمین امنیت اتخاذ کرده بودند. تا آن زمان، با ترک حمص توسط بسیاری از خانواده‌ها، آپارتمان‌های مبله در سراسر شهر خالی از سکنه بودند. مجد در تماس با یکی از خانواده‌هایی که به دمشق رفته بود، آپارتمان آن‌ها را در محله‌ی دور برای زمانی که درگیری در وائر بالا گرفته باشد، اجاره کرده بود. در ابتدا، خانواده‌ی ابراهیمی فقط گاهی به خانه‌ی امن خود می‌رفتند، اما در اوایل سال ۲۰۱۳، این رفت‌وآمدها به دو تا سه بار در هفته افزایش یافت. بزرگ‌ترین نگرانی آن‌ها امنیت بزرگ‌ترین پسرشان بود که مبادا به دست شبه‌نظامیان بیفتد.

مجد توضیح داد: «بسیاری از آن‌ها جوانان همان محله‌ها بودند که اکنون موفق شده بودند سلاح به‌دست بگیرند. من بسیاری از آن‌ها را می‌شناختم، با آن‌ها بزرگ شده بودم، و این خوب بود. اما تعداد بیشتر و بیشتری از بیرون می‌آمدند و آن‌ها خطرناک بودند. بسیاری از آن‌ها بازماندگان جنگ بابا عمرو و خالدیه بودند. آن‌ها نسبت به هرکسی شک داشتند و هیچ‌وقت نمی‌توانستی حدس بزنی چه کاری ممکن است انجام بدهند».

یکی دیگر از دلایلی که بر نگرانی‌ها افزود این بود که بسیاری از جنگجویان مواد مخدر استفاده می‌کردند: یک آمفتامین به‌نام کپتاگون که آن‌ها را برای روزها هشیار نگه دارد، همراه با یک داروی ضداضطراب به‌نام زولام که آن‌ها را آرام می‌کرد.

از میان گروه‌های مسلح مختلفی که در وائر جمع شده بودند، و بسیاری از آن‌ها در واقع شبیه به کمیته‌ی دفاعی محله بودند، هیچ‌کدام بیشتر از ارتش آزاد سوریه حس نفرت و بی‌زاری را در مجد ایجاد نمی‌کردند. درحالی که بسیاری در حلقه‌های سیاست خارجی امریکایی‌ها

خانواده‌ی ابراهیمی،

باتوجه به تنش‌های در

حال گسترش در وائر، یک

«خانه‌ی امن» اجاره کردند.

این اقدامی بود که بسیاری

از ساکنان مرفه شهر برای

تأمین امنیت اتخاذ کرده

بودند. تا آن زمان، با ترک

حمص توسط بسیاری از

خانواده‌ها، آپارتمان‌های

مبله در سراسر شهر خالی از

سکنه بودند. مجد در تماس

با یکی از خانواده‌هایی که به

دمشق رفته بود، آپارتمان

آن‌ها را در محله‌ی دور

برای زمانی که درگیری در

وائر بالا گرفته باشد، اجاره

کرده بود. در ابتدا، خانواده‌ی

ابراهیمی فقط گاهی به

خانه‌ی امن خود می‌رفتند،

اما در اوایل سال ۲۰۱۳،

این رفت‌وآمدها به دو تا سه

بار در هفته افزایش یافت.

بزرگ‌ترین نگرانی آن‌ها

امنیت بزرگ‌ترین پسرشان

بود که مبادا به دست

شبه‌نظامیان بیفتد.

اذعان می‌کردند که در این گروه، ترقی‌خواهان سکولاری وجود دارند که در صورت حمایت‌شدن ممکن است سوریه را به‌سمت دموکرات‌شدن هدایت کنند، تنها چیزی که مجد در آن‌ها می‌دید دسته‌ی از فرصت‌طلبان ترسو بود.

به گفته‌ی او، «اعضای گروه‌های اسلام‌گرا حداقل باورها و قاعده‌هایی داشتند. اما بسیاری از اعضای ارتش آزاد سوریه در وائر تنها جوانانی بودند که می‌خواستند با اسلحه پرسه بزنند و مردم را بترسانند. نکته‌ی مضحک دیگر این است که آن‌ها به‌سادگی وحشت‌زده می‌شدند. اگر گروه دیگری به آن منطقه می‌رفت، آن‌ها به سرعت به آن گروه می‌پیوستند».

یک روز، مجد به یکی از فرماندهان جوان ارتش آزاد سوریه برخورد که به‌خوبی او را می‌شناخت و می‌دانست یک سیگاری حرفه‌ی است، اما آن‌جا بدون سیگار نشسته بود و سرش را پایین انداخته بود. وقتی مجد از او پرسیده بود چرا سیگار نمی‌کشد، این شبه‌نظامی پاسخ داده بود که او دیگر عضو ارتش آزاد سوریه نیست. واحد او به یک گروه اسلام‌گرا پیوسته است که سیگارکشیدن را ممنوع یا حرام می‌دانست.

۱۷. مجدی المنغوش (لیبی)

مجدی در جست‌وجو برای یافتن سرنوشت بهترین دوستش، به یک تراژدی رسیده بود که به‌هیچ‌عنوان قابل مقیاس نبود. به‌نظر می‌آمد که تمام طرف‌ها در انقلاب لیبی، برای کشتن دانشجویان نیروی هوایی نوبت گرفته بودند. نیروهای قذافی، تعدادی را مانند جلال، به‌عنوان طعمه علیه شورشیان استفاده کرده بودند، اما تعداد دیگری را نیز تنها به این دلیل که می‌خواستند به خانه بازگردند اعدام کرده بودند. شورشیان نیز به نوبه‌ی خود، پس از کشتن بسیاری از دانشجویان آکادمی در میدان جنگ، تعداد بی‌شمار دیگری را به‌عنوان «حامیان رژیم» و برای تجلیل از پیروزی خود اعدام کردند. در اوایل سال ۲۰۱۲، شماری از دانشجویان آکادمی که از این کشتار جمعی در امان مانده بودند، در زندان‌های انقلابی نگه‌داری می‌شدند، درحالی‌که تعداد زیادی در خفا زندگی می‌کردند. مجدی تخمین می‌زند که از میان ۵۸۰ همکلاسی او در آکادمی نیروی هوایی مصراته، شماری بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر، در طول جنگ و یا بلافاصله پس از آن کشته شدند.

او گفت: «ما فقط دانشجو بودیم. فقط همین. هر دو طرف از ما استفاده کردند. هر دو طرف ما را سلاخی کردند».

اما باوجود تمام این‌ها، مجدی در ابتدا نسبت به آینده‌ی لیبی پس از انقلاب نگاه مثبتی داشت. این کشور نفت‌خیز بود و مردمی باذکاوت و باپشتکار داشت، و پس از ۴۲ سال حکومت سرهنگ معمر قذافی، اکنون امید برای یک زندگی بهتر شکل گرفته بود. در نظر او، اولین اشتباه بزرگ این بود که دولت موقت در طرابلس، شورای ملی انتقالی، اعلام کرد به تمام کسانی که علیه رژیم قذافی جنگیده‌اند، دستمزد داده خواهد شد. در طی چند هفته، شمار «انقلابی‌ها»، که با سخاوتمندانه‌ترین برآوردها حدود ۲۰۰۰۰ نفر بودند، ناگهان به ۲۵۰۰۰۰ نفر رسید. بدتر از آن، شیوه‌ی پرداخت این مبلغ بود که گرچه مورد تایید دولت‌های غربی متحد با شورای انتقالی قرار داشت، اما انگیزه‌ی به‌وجود آوردن آن تنها گروه‌های مسلح جدیدی شکل بگیرند بلکه مستقل از هرگونه فرماندهان مرکزی باقی بمانند تا بتوانند سهم بیشتری از این دستمزدها داشته باشند. نزدیک به پایان سال ۲۰۱۲، شبه‌نظامیان لیبی که تعدادی تشکیل شده از جانبازان انقلابی بودند و تعداد دیگر تشکیل شده از باندهای قبیله‌ی یا جنایتکار، کشور را تبدیل به سرزمین‌های ارتشی کرده و بر سر به‌دست‌آوردن سهم بیشتر رقابت می‌کردند. هزینه‌های چنین کاری را، همان دولت مرکزی که توسط این گروه‌ها تضعیف شده بود، پرداخت می‌کرد. این بی‌ثباتی با حادثه‌ی دردناک برای دولت اوپاما روشن شد. مجتمع دیپلماتیک امریکا در بنغازی، در سپتامبر ۲۰۱۲ مورد حمله قرار گرفته و منجر به مرگ سفیر جی. کریستوفر استیونس و سه نفر دیگر شد. اما برای مجدی، سرخوردگی نهایی، در قالب رویداد شخصی‌تری برای او شکل گرفت. در پاییز سال ۲۰۱۲، او «دیپلم» خود را از آکادمی نیروی هوایی دریافت کرد که براساس آن، او با موفقیت تمام دوره‌های موردنیاز برای رشته‌ی مهندسی ارتباطات را به پایان رسانده بود.

او گفت: «من هیچ چیزی را تکمیل نکرده بودم. برای مدت یک‌ونیم سال هیچ کلاسی برگزار نشده، بنابراین این کاغذ هیچ معنایی نداشت. اما در لیبی جدید، همه‌جا را فساد و دروغ فرا گرفته بود. شاید من آن را به‌دلیل آن‌چه بر من گذشت، بیشتر از دیگران احساس می‌کردم. تمام دوستانم در آکادمی کشته شده بودند و من نمی‌توانستم این را به‌سادگی بپذیرم: بیا، این کاغذ را بگیر، هیچ‌کس نیاز نیست بدانند، خودت را یک مهندس معرفی کن. شاید دیگران احساس متفاوتی داشتند یا شاید آن‌ها این را نوعی توافق سیاسی می‌دیدند، اما زمانی که من این دیپلم را دریافت کردم، به‌روشنی می‌دیدم که به انقلاب خیانت شده و لیبی یک کشور شکست‌خورده است».

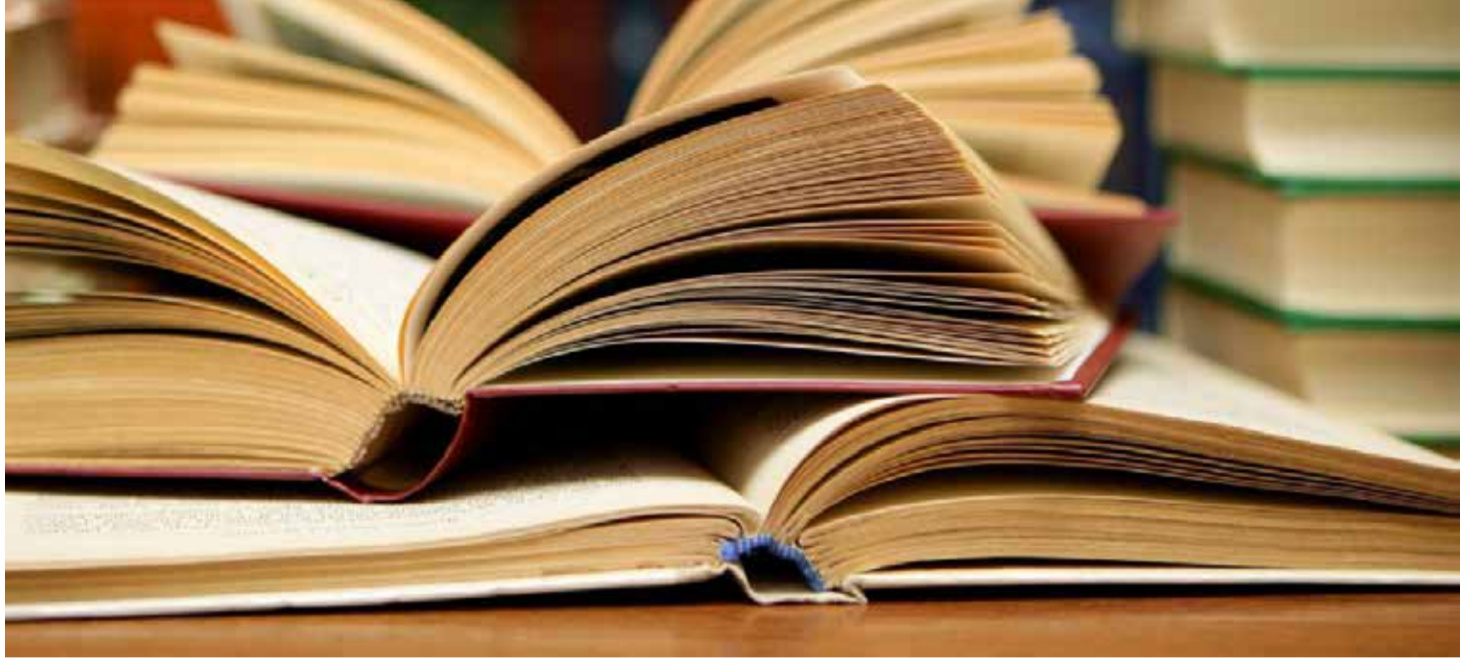
مجدی با انتخاب دشواری مواجه بود: او می‌توانست این دیپلم غیرواقعی خود را برای به‌دست‌آوردن شغل‌های بی‌اهمیت دولتی استفاده کند، یا می‌توانست دوباره شروع کند. سال بعد، او در دانشگاه مصراته برای تحصیل در رشته‌ی مهندسی ثبت‌نام کرد. با شروع مجدد تحصیل، مجدی با یک گروه محیط زیست مستقر در طرابلس به‌نام عاشقان درخت نیز همکاری را آغاز کرد. او آن‌قدر در کار خود اشتیاق داشت که یک شاخه از این گروه را در مصراته نیز به‌وجود آورد. علی‌رغم محدودیت‌های مالی و تدارکاتی، مجدی و دیگر داوطلبان برای کاشتن گل‌ها و درختچه‌های بسیاری در سراسر خیابان‌های خاکی شهر همکاری می‌کردند و تلاش داشتند آگاهی عمومی را در رابطه با اهمیت حفظ پوشش گیاهی بسیار اندکی که در لیبی وجود داشت افزایش بدهند. او گفت: «بیبایان‌ها در بسیاری از نقاط لیبی در حال گسترش هستند. و تنها راه متوقف‌ساختن این روند، کاشت درخت است».

اما ممکن است در کار مجدی، یک انگیزه‌ی بیشتر شخصی نیز وجود داشته باشد. یکی از پدیده‌های جالب‌توجه که تقریباً در همه‌جا در میان سربازان سابق مشاهده می‌شود، میل به‌تنهایی است، این‌که در طبیعت باشند. زمانی که من او را در مصراته ملاقات کردم، مجدی اشتیاق زیادی داشت تا جنگلی را که او و همکارانش ایجاد کرده بودند به من نشان بدهد. یک روز صبح زود، ما از مصراته خارج شدیم و به سمت مزارع کشاورزی و روستاهای کوچک در حومه‌ی جنوبی آن رفتیم.

«جنگل» مجدی، تنها چند ردیف از مجموعه‌ی نامنظم درختان کاج در کنار جاده‌ی مزرعه‌ی بود که مسافران بی‌توجه، زباله‌های‌شان را هر سوی آن ریخته بودند. اما او به کارش افتخار می‌کرد. او با عبور از کنار زباله‌ها، در میان درختان قدم می‌زد، با نفس‌های عمیق عطر درختان کاج را به سینه می‌کشید، و لبخندی حاکی از رضایت بر لبانش می‌نشست.

ارزش‌های مجازات‌شونده

■ عمران راتب



چهلک

سخن‌سازان

آزادی مدنی زن کیست؟

گفتید حق دارید. سابق که می‌خواستند کسی را تحقیر کنند، می‌گفتند «او زن کیست؟». حتماً می‌گویید بسیار خوب، یک وقت مردم جاهل بودند و متوجه نمی‌شدند که این گونه حرف زدن توهین در حق زنان است؛ حالا تو چرا این قسم حرف می‌زنی؟ پاسخ من این است که خوب می‌کنم این طور حرف می‌زنم. از حق آزادی مدنی خود استفاده می‌کنم. من چوب برنداشته‌ام و زنی را لت و کوب نکرده‌ام. در سنگسار کردن زنی سهم نگرفته‌ام. بینی زنی را نبریده‌ام. در کوچه به سینه‌ی زنی دست زده و فرار نکرده‌ام. هیچ‌یک از این کارها و کارهای شبیه این‌ها را نکرده‌ام. فقط خوش دارم بدون آن‌که به زنی آسیبی برسد، از حق مدنی آزادی بیان خود استفاده کنم و گاه به زنان فحش بدهم. کی گفته که من حق ندارم از زنان متنفر باشم. در کجای دنیا قانونی هست که بگوید در دل‌تان هم حق ندارید از زنان نفرت داشته باشید؟ من در دل خود از زنان نفرت دارم و به همین خاطر هر جا فرصتی میسر شود یا دلم بخواهد به آنان فحش می‌دهم. آیا همین قدر هم حق ندارم آزادی مدنی‌ام را تجربه کنم؟

اگر می‌پرسید این برداشت از آزادی مدنی را از کجا گرفته‌ام، عرض کنم که منبع الهام در این مورد فعالیت جمعی از برادران فعال مدنی در بامیان است. چند جوان کاکه و متدین و عمیقاً مربوط به صدر اسلام شب چرت زده‌اند که چه طور است چند پارچه حلی را سر هم کنیم و ببریم سر فلان چهارراه نصب کنیم و آن چهارراه را چهارراه امام اعظم حضرت ابوحنیفه بنامیم؟ صبح رفته‌اند و همین کار را کرده‌اند. کسی را لت نکرده‌اند، خانه‌ی را آتش زده‌اند و باز بینی کسی را نبریده‌اند. فقط یک چهارراه را نام‌گذاری کرده‌اند. والی ولایت نهر فرستاده و لوحه را پایین کرده. ای تف بر این روزگار که آزادی مدنی جوانان را در همین حد هم تحمل نمی‌کند. یعنی خفقان به جایی رسیده که جوانان دیگر حتا نمی‌توانند چهارراه‌ی‌های شهر را نام‌گذاری کنند؟ حتماً فردا که جوانان مدنی خواستند دارالامان را غارالامان بسازند، باز دولت مستبد جلوشان را خواهد گرفت. این چه وضعی است؟ من شخصا خیلی دوست دارم اسم پایتخت را از کابل به بابل یا چابل یا قابل تبدیل کنم. حقم هست. آزادم. آیا اگر من ده هزار جوان دیگر را پیدا کنم که با من هم‌نوازی کنند، دولت فاسد کابل جلو من را خواهد گرفت؟ وای به حال ملتی که جلو آزادی فعالان مدنی خود را بگیرد.

پرشان‌نویسی چیست و جدیت کدام است. ناشر مورد نظر، با توجه به این امر، با کاهش قیمت کتاب، تصمیم گرفته است برای کسانی که به فرهنگ و ادب و متن در کلیت، اهمیت قابل‌اند ولی غالباً استطاعت خرید کتاب با قیمت بالا را ندارند، زمینه و امکان دست‌یافتن به کتاب را فراهم کند.

توصیف و به‌تصویر کشیدن وضعیت فرهنگی، دومین حرف ناشر در پس نزول قیمت کتاب بود؛ این‌که جامعه به متن آن ارزشی را قابل نیستند که به مسایل و امور پیش‌یافته و بازاری قابل‌اند و نویسنده‌ی که خود را در برابر این فرهنگ مسئول می‌داند و تغییر آن را از رسالت‌های خود، ناگزیر است به‌خاطر رساندن پیام خود، تن به مجازات بدهد. یعنی آن هزینه‌ی را که نباید متقبل شود، متقبل شده است. در وضعیت وانفاسی امروزی، این یک خطر کردن است. مهم‌تر از آن اما، از برآیند این کار نموداری ترسیم می‌شود که کم‌بهای فرهنگ متعالی در آن موج می‌زند. برای جامعه‌ی فلاکت‌زده و نکبت‌باری چون جامعه‌ی افغانستان، نگون‌بختی و تباهی بیشتر از این قابل تصور نیست. در جامعه‌های فرهنگ‌مدار و روشن، نویسنده با کاری که از سر علاقه می‌کند یا مسئولیت، تأمین معیشت می‌کند تا بتواند به کارش تداوم بخشد. چیزی که این‌جا مشاهده می‌شود اما، این است که فردی که می‌نویسد، با این عملش گویا جرمی را مرتکب شده و با نشر زیان‌بار کتاب و اثرش باید این جرم را از خود پاک کند. چه عسرت و نکبتی سنگین‌تر از این؟

اقتدا به افتخارات جعلی و فاقد ارزش، سفته‌پروری و شایعه‌سازی، از خصوصیات جامعه‌ی بی‌ارزش‌های فرهنگی رشد‌یابنده و مترقی می‌ایستد. افغانستان کنونی به‌صورت کل در حوزه‌ی عمومی و به‌ویژه در حوزه‌ی متن و ارزش‌های فرهنگی، به‌چنین ورطه‌ی غلتیده است. لذا با این وضعیت، به چینی ورطه‌ی غلتیده است. اگر اعتراض شود که چرا ملامعمر و حکمتیار و نظایرشان مقامی بلندتر از مقام غبار و فرهنگ و کاتب و و اصف باختری را کسب کرده‌اند. جعل فرهنگ و شکل گرفتن مناسبات اجتماعی بر اساس دید بدوی مذهب و قبیله، سفته‌پروری و جنایت‌آفرینی را ناگزیراً با خود همراه دارد. تنها نتیجه‌ی مترتب بر این وضعیت، مرگ اندیشه و خرد است و سلطه‌ی مداوم جهل و سیاهی.

شدم با چشم‌پوشی از این‌که ما هم نیاز به آب و نان داریم، ۱۵۰ افغانی قیمت کنیم. او با این کارش، دو حرف اساسی را مطرح کرد؛ یک: ارزش محتوایی کتاب و پیامی که در آن جای گرفته است و از این‌رو، ضرورتی که به خوانند آن احساس می‌شود، و دو: به تصویر کشیدن نکبت فرهنگی جامعه.

بازار چاپ و نشر کتاب در طی پانزده سال اخیر پس از چند دهه ویرانی، تا حد بالایی رونق گرفته است. اما این رونق به‌خودی‌خود نه‌تنها که گام مهمی به پیش برداشته، بلکه با دو نقص نیز عمده همراه است. یک این‌که اغلب کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، واقعاً ارزش خواندن و هزینه کردن را ندارند و تا انتها درجه از پیام و محتوای ضعیف و خنثا برخوردارند. دودیدگر این‌که، به‌دلیل غیبت فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی، هیچ‌یک از این‌ها خوانده نمی‌شوند و یا در خوش‌بینانه‌ترین تعریف، درست خوانده نمی‌شوند تا صف و جمع بنجل‌ها و ناکاره‌ها از صف و جمع کتاب‌های ارزشمند جدا شود. منظور قضاوت ارزشی مطلق بر این آثار نیست. چون نگارنده با چنان قضاوت‌هایی، از بنیاد مخالف است. منظور این است که با این آثار باید تعیین نسبت شود و بر اساس ضرورت و نیازمندی اهالی فرهنگ، واضح گردد که

اقتدا به افتخارات جعلی و فاقد ارزش، سفته‌پروری و شایعه‌سازی، از خصوصیات جامعه‌ی بی‌ارزش‌های فرهنگی رشد‌یابنده و مترقی می‌ایستد. افغانستان کنونی به‌صورت کل در حوزه‌ی عمومی و به‌ویژه در حوزه‌ی متن و ارزش‌های فرهنگی، به‌چنین ورطه‌ی غلتیده است. لذا با این وضع، اشتباه است اگر اعتراض شود که چرا ملامعمر و حکمتیار و نظایرشان مقامی بلندتر از مقام غبار و فرهنگ و کاتب و و اصف باختری را کسب کرده‌اند. جعل فرهنگ و شکل گرفتن مناسبات اجتماعی بر اساس دید بدوی مذهب و قبیله، سفته‌پروری و جنایت‌آفرینی را ناگزیراً با خود همراه دارد. تنها نتیجه‌ی مترتب بر این وضعیت، مرگ اندیشه و خرد است و سلطه‌ی مداوم جهل و سیاهی.

موقعیتی را که در آن، ارزش‌های پوچ و تهی جای ارزش‌های پیش‌رونده و متعالی را می‌گیرند، تصور کنید. در این موقعیت، انسان‌ها در چرخه‌ی مناسبات و ارتباطات روزمره، نخستین کاری که می‌کنند، این است که فضایی را خلق می‌کنند تا در سایه‌ی آن، ارزش‌های فرهنگی متعالی، به‌صورت بی‌مقدار و بی‌هزینه به تمسخر گرفته شوند. فضای مذکور، نظر به وضعیت عام، می‌تواند ریشه در تفکراتی داشته باشد که هویت‌گرایی‌های سیالی چون هویت‌گرایی قومی و قبیله‌ی در مرکز آن قرار داشته باشد و یا هویت دینی و مذهبی و احیاناً، هویت فرهنگی که وجه تعالی‌یابنده‌ی آن از میان رفته باشد و خود عملاً نقش ارتجاعی را ایفا کند. در وهله‌ی دوم، آدم‌ها می‌کوشند بدیلی برای این ارزش‌های نفی‌شده دست‌وپا کنند. ارزش‌های فرهنگی در مجموع دارای ذات یگانه و ثابتی نیستند، اما معمولاً هر رویکرد عام در حوزه‌ی عمومی برای این‌که به‌صورت یک فرهنگ درآید، فرایندی را طی می‌کند که در طی آن، پس از داد و ستدهای گونه‌گون و ریخت‌وپاش‌های متعدد، به قوام و پختگی لازم می‌رسد. اما جعل فرهنگ از آن‌جا که نیتی زودرس برای خود تعیین می‌کند، از این مسیر نمی‌گذرد. بدیل یک فرهنگ جعلی در برابر فرهنگ ارزشی و گسترش‌یابنده نیز، همان متغیرهایی است که ارزش‌های فرهنگ متعالی به‌واسطه‌ی آن‌ها نفی شده‌اند. لیکن نفس جعلی که صورت گرفته، با متغیرهای فرهنگی نیز کاری می‌کند که آن‌ها را از صورت تغییر‌یابنده‌ی شان، به حالت ثابت درمی‌آورند. جزمیت از این‌جا پا می‌گیرد.

استمرار سلطه‌ی فرهنگ جعلی و پس‌رونده (نسبت به زمان که همواره در حال دگرگونی است) در سپهر عام، به‌وجودآورنده‌ی وضعیتی می‌شود که ارزش‌های فرهنگ متعالی اگر قرار باشد ادامه پیدا کنند، برای دوام خود باید خسارت بپردازد. چون در این وضعیت، این ارزش‌ها حیثیت مجرمی را دارند که حفظ آزاده‌ی آن‌ها به‌سود وضعیت نیست. می‌توانیم نمونه بیابیم: روز گذشته در برنامه‌ی رونمایی کتابی که به‌تازگی منتشر شده است شرکت کرده بودم. ناشر کتاب پس از چند سال تجربه در کار چاپ و نشر کتاب، می‌گفت کتابی را که مجموع هزینه‌ی آن بالاتر از ۲۵۰ افغانی بر هر نسخه تکیه کرده است، ناگزیر

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



دو انفجار انتحاری در عراق دست کم ۲۱ کشته بر جا گذاشت

زیارت ایران از کشته شدن ۱۰ زائر ایرانی خبر داده بود.

در همین راستا بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایران انفجارهای دیروز عراق را محکوم کرد و گفته است: «این اقدامات وحشیانه ناشی از ناکامی‌های مکرر تروریست‌ها در پیشبرد اهداف پلید خود در عراق است و جمهوری اسلامی ایران تا شکست کامل و پاکسازی تروریسم، در کنار دولت و ملت عراق خواهد ایستاد.»

اواخر این هفته مراسم مذهبی اربعین است و بسیاری از زائران شیعه از کشورهای مختلف جمله ایران به شهرهای مذهبی عراق سفر کرده‌اند.

روز یکشنبه همچنین یک ترمینال مسافری در سامرا هم هدف بمب‌گذاری قرار گرفت که بر اثر این حادثه نیز عده‌ی کشته و زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا از ایران آقای حیدری، معاون عتبات مرکز پزشکی سازمان حج و زیارت جمعیت هلال احمر گفته است: «حادثه تروریستی در سامرا تاکنون ۱۰ کشته داشته که شش تن از آن‌ها ایرانی بوده‌اند. همچنین ۵۰ ایرانی نیز زخمی شده‌اند.» به گفته‌ی حیدری، این کاروان‌ها مربوط به کاروان‌هایی از هرمزگان و سیستان و بلوچستان بوده است.

پیشتر محمدجواد دانشیار، نماینده سازمان حج و

اطلاعات روز: بر اثر دو انفجار انتحاری در شهرهای تکریت و سامرا در عراق دست کم ۲۱ نفر کشته و چندین نفر زخمی شده‌اند. رسانه‌های ایران اعلام کرده‌اند که ۶ تن از کشته‌شدگان در سامرا زائران ایرانی بوده‌اند. گروه داعش مسئولیت این دو انفجار را بر عهده گرفته است.

به نقل از یورو نیوز، خبرگزاری رویتز گزارش داده که روز یکشنبه یک آمبولانس بمب‌گذاری شده در ایست بازرسی ارتش عراق در شهر تکریت ولایت صلاح الدین منفجر شد که به کشته شدن ۱۳ تن و زخمی شدن دست کم ۱۵ نفر انجامید. تکریت محل تولد صدام حسین دیکتاتور سابق عراق است.

بگو مگو facebook

یعقوب یسنا



در ادامه دوستی و رفاقت... همه چه به نوعی ارتباط می‌گیرد به هراس/امید ما از جهان و زندگی؛ البته این هراس/امید، ملموس و واقعی نیست، بلکه هراس/امیدهای روانی و هستی‌شناسانه از جهان است که جهان بینی یک فرد را شکل می‌دهد؛ بنابراین این نگاه هرکس از رفاقت و دوستی به نوع نگاهش نسبت به جهان ربط دارد.

هر انسانی، از هر سطح فکری و... گاهی دچار تنهایی و واماندگی می‌شود؛ تنهایی و واماندگی مضاعف و فرساینده، البته که درجه این تنهایی و واماندگی در هر فرد بی‌مناسبت به چگونگی اندیشه اش نیست. تنهایی و واماندگی نیز چندان واقعی نیست؛ به این معنا که دور ویر ما انسان‌ها هستند، اما ما از نظر روانی دچار احساس غربت و فراق هستی‌شناسانه می‌شویم و احساس می‌کنیم که در این همه هیاهو جهان، تنها و وامانده ایم؛ یعنی مناسبات ما با زندگی و جهان، و حتا به طور عام با انسان، غریبه می‌شود. در وسط این غریبه‌شدگی مناسبات بشری است که رفاقت و دوستی همچون امری هستی‌شناسانه، فریاد می‌آید تا ما را از مناسبات غربت آمیز برهاند. همان غربتی که در روایت اساطیری، گلگمش پس از مرگ انکیدو، دچار آن شد و دگر نتوانست از آن غربت‌رهایی پیدا کند، زیرا دچار غربت هستی‌شناسانه شده بود؛ یا مولانا در روایت عرفانی، پس از شمس دچار چنین غربت شد!

انسان طرحی غریبی است که در وسط پرتاب می‌شود؛ وسطی که موضعی در نیمه راه است؛ پس موقعیت انسان، موقعیتی در نیمه راه بودن است؛ بجایی نمی‌رسد، رسیدن فقط احساسی دلشورگی است... رفیق و دوست شدن، یعنی رو به رو شدن طرحی غریبی بشری ما در جهان است که لحظه‌ای احساس دلشورگی خویش را در نیمه راه قصه می‌کنیم!

Malek Sitez



کژبختی رسانه‌ی درست نیست.

شبی پیش دو بحث را روی نقش و جای‌گاه دیوان کیفری بین‌المللی (International Criminal Court) در افغانستان با دقت دنبال کردم. این بحث‌ها به شدت دشواری‌های تخنیکی و حرفه‌ی داشتند. نخست این‌که در معرفی این دادگاه با سایر سازوکارهای حقوق بین‌المللی مغالطه‌های جدی صورت می‌گرفت. دوم این‌که پیرامون نقش این دیوان بر وضعیت افغانستان سوی تفاهم‌های کلان وجود داشت و سوم این‌که ادبیات رسانه‌ی آن برون از جوهر این بحث مهم بود.

انتباهی که من به‌سان یک بیننده از این بحث گرفتم چنین بود:

– درهم ریخته‌گی نقش نهادهای نظارتی بین‌المللی پیرامون حقوق بشر در افغانستان
– درهم ریخته‌گی فضای حقوقی و سیاسی افغانستان در مورد نقش دادگاه‌های حقوق بشر
– و ادبیات بسیار درهم ریخته، سیاسی «حقوقی» که هیچ به‌دردم نمی‌خورد چون چیزی از آن نفهمیدم.
در این بحث‌ها هرچند گرداننده‌گان تلاش کردند تا مهمانان را به‌جوهر بحث بکشانند، اما «کارشناسان» امور کژبختی‌های‌شان را ادامه می‌دادند. به‌باور من در هم‌چو بحث‌های تخنیکی باید به سه عنصر توجه‌جلی داشت:

– شناسایی متخصصی که بتواند جوهر بحث را به‌گونه‌ی حرفه‌ی حفظ کرده و تشریح دهد.
– تمرکز روی هدف بحث: «چه‌گونه بر ذهن بیننده باید تاثیر گذاشت؟»
– کدام ادبیات را برای بحث‌های حرفه‌ی برگزید. به‌باور من هر بحث حرفه‌ی و تخنیکی به‌ویژه حقوقی ادبیات خود را می‌طلبد.
– چه‌گونه بحث را مدیریت کرد؟ بحثی که نتواند پی‌آمدش را بصورت مشخص جمع‌بندی کند، مشکل دارد.

اگر ما در هم‌چو بحث‌ها، حرفه‌ی و دقیق نباشیم، بهتر است آن‌را راه اندازی نکنیم. چون فایده‌اش از ضروری‌که به جامعه می‌رساند کم‌تر است.

حزب دموکراتیک خلق‌ها فعالیت خود را در پارلمان ترکیه متوقف کرد

مخالفان اردوغان را در پی داشته است.

بن علی ییلدریم، نخست‌وزیر ترکیه در واکنش گفته است: «در صورتی که نمایندگان حزب دموکراتیک خلق در جلسات مشارکت نکنند به مردم خیانت کرده‌اند.»

همزمان رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز طی سخنانی با اشاره به انتقادهای مطرح شده علیه او در پی سرکوب شدید مخالفان، اروپا را به حمایت از (پ ک ک) متهم کرده و گفته است، این‌که او را «دیکتاتور» بنامند برایش اهمیتی ندارد.

«پس از مذاکره و گفت‌وگو با اعضاء تصمیم بر آن شد تا فعالیت‌های حزب در پارلمان متوقف شود و به حزب ما به میان مردم بازگردد.»

به گفته‌ی او، اعضای حزب از عضویت در پارلمان ترکیه کناره‌گیری نمی‌کنند اما در جلسات حاضر نخواهند شد. حزب دموکراتیک خلق‌ها در پارلمان ترکیه ۵۹ کرسی دارد.

بازداشت فیگن یوکسک داغ و صلاح الدین دمیرتاش، دو رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها و چند عضو دیگر این حزب واکنش‌های شدید

اطلاعات روز: حزب دموکراتیک خلق‌های ترکیه از توقف فعالیت خود در پارلمان این کشور خبر داده است.

این حزب دیروز (یکشنبه، ۱۶ عقرب) اعلام کرده است که تمامی فعالیت‌های خود را در پارلمان به علت بازداشت دو رهبر و چند عضو این حزب توسط مقام‌های امنیتی ترکیه متوقف می‌کند.

به نقل از یورو نیوز، آیهان بیلگن، سخنگوی این حزب در شهر دیاربکر با اعلام این خبر گفت:

نخست‌وزیر عراق: موصل به‌زودی آزاد می‌شود

از پشت بام خانه‌های مسکونی یکدیگر را هدف قرار می‌دهند، گزارش‌هایی منتشر شده است.

تصاویر ماهواره‌ی از نحوه سنگر بندی و استحکامات دفاعی داعش در مسیرهای اصلی منتهی به موصل حکایت دارند.

در این تصاویر دیواره‌های بتنی و تلی از سنگ و کلوخ‌هایی دیده می‌شوند که خیابان‌های اصلی موصل را مسدود کرده‌اند و همچنین ساختمان‌های اطراف فرودگاه موصل دیده می‌شوند که برای باز شدن میدان دید با خاک یکسان شده‌اند.

موصل در ماه جولای سال ۲۰۱۴ به کنترل نیروهای داعش درآمد و رهبر این گروه، ابوبکر البغدادی، بر منبر یکی از مساجد جامع همین شهر بود که تأسیس خلافت اسلامی خود را رسماً اعلام کرد.

موصل هنوز میزبان حدود یک و نیم میلیون شهروند عراقی است و تا پیش از حمله برای بازپس‌گیری آن (که از روز هفدهم اکتبر گذشته شروع شده) تخمین زده می‌شد حدود سه تا پنج هزار شبه‌نظامی داعش در این شهر حضور دارند.

هم‌زمان نیروهای دولتی عراق که از حمایت امریکا برخوردارند و پیشمرگه‌های کرد و ائتلافی از شبه‌نظامیان سنی و شیعه هم به کمک‌شان آمده‌اند به حملات خود علیه داعش ادامه می‌دهند.

این نیروها روز شنبه توانستند شهر حمام‌العلیل در ۱۵ کیلومتری جنوب موصل و در جوار رود دجله را از کنترل نیروهای داعش درآورند.

فرمانده شکیر جودت از ارتش عراق گفته نیروهای تحت امرش اکنون مرکز شهر حمام‌العلیل را در کنترل خود دارند، هر چند این مقام نظامی تصریح نکرده که شبه‌نظامیان داعش به‌طور کامل از این منطقه عقب‌نشینی کرده‌اند.

عملیات بازپس‌گیری موصل تمرکز خود را بر پیش‌روی از سمت شرق این شهر قرار داده است؛ مناطقی چون الزهرا که روز جمعه نیروهای عراقی وارد آن شدند.

این در حالی‌ست که هم‌زمان با رد و بدل شدن آتش خمپاره‌ی میان دو طرف، در منطقه البکر از رویارویی تک‌تیراندازهای داعشی و ارتش عراق که

اطلاعات روز: حیدر عبادی، نخست‌وزیر عراق که روز شنبه از خطوط مقدم نبرد موصل بازدید می‌کرد، گفته این شهر به زودی از کنترل شبه‌نظامیان داعش در خواهد آمد.

او به نیروهای گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) هشدار داده برای زنده ماندن اسلحه‌ها را زمین بگذارند و تسلیم شوند.

موصل که برای حدود دو سال در کنترل داعش بود و به پایتخت این گروه در خاک عراق بدل شده بود، در هفته‌های اخیر با حمله سنگین نیروهای دولتی و نیروهای شبه‌نظامی حامی دولت روبرو شده است. هشدار آقای عبادی به شبه‌نظامیان گروه دولت اسلامی در حالی شکل گرفته که نیروهای دولت عراق موفق به پیش‌روی در مناطق شرقی حومه‌ی موصل شده‌اند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، آقای عبادی خطاب به نیروهای داعش گفت: «پیام من به شما این است که اگر می‌خواهید جانتان را حفظ کنید همین الان سلاح‌تان را زمین بگذارید.»

طرح آلمان برای توقف پناهجویان پیش از رسیدن به اروپا

نسبت به وضعیت پناهجویان و رفتار غیرانسانی استرالیا و نادیده گرفتن عاملان شرایط وخیم این افراد به شدت به دولت این کشور انتقاد کردند.

درهای باز بسته می‌شود

توماس دیمیزیر، یک سیاست‌مدار محافظه‌کار از حزب دموکرات مسیحی سمت وزارت داخله‌ی آلمان را برعهده دارد. او پیشتر از لزوم بازگشت مهاجران افغان به کشورشان سخن گفته‌بود.

با این حال، طرح وزارت داخله آلمان یک تغییر بزرگ در گفتار دولت این کشور محسوب می‌شود. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان از مدافعان سرسخت سیاست «درهای باز» به روی پناهندگان بود.

سیاست‌های او به انتقادهای بسیار از سوی محافظه‌کاران انجامید و حزب راست افراطی «آ اف د» (آلترناتیو برای آلمان) با وعده توقف سیل مهاجران به آلمان توانست بخشی از رأی‌دهندگان حزب خانم مرکل را به سمت خود بکشاند.

آلمان در یک سال گذشته یک میلیون پناهجو را اسکان داده است. بر اساس تحقیقاتی که پولیس آلمان انجام داده، با وجود بحران پناهجویی، آمار بزهکاری در این کشور تغییر محسوسی نکرده است. در شهرهای بزرگی مانند برلین همچنان برخی از پناهجویان به‌طور موقت در ورزشگاه‌ها اسکان داده شده‌اند. در شهرهای کوچک‌تر وضع سکونت پناهجویان بهتر است.

پرداخت تا پناهجویان را در اردوگاه‌هایی در خاک خود نگاه دارند.

یکی از زنان سخن‌گوی وزارت داخله آلمان به روزنامه‌ی آلمانی گفته است: «حذف دورنمای رسیدن به سواحل اروپا می‌تواند مهاجران را قانع کند که از همان اول جان خود را به خطر نیندازند و از این سفر دریایی پرهزینه به سمت اروپا اجتناب ورزند.»

این سخن‌گو هدف دولت آلمان از چنین طرحی را «تخریب بنیان سازمان‌های قاچاق انسان و نجات مهاجران از سفری که جان‌شان را تهدید می‌کند» خوانده است.

بیشتر مهاجرانی که به سمت سواحل مدیترانه‌ی اروپا می‌آیند، از کشور جنگ‌زده لیبی عازم این سفر می‌شوند. طرح مورد نظر وزارت داخله‌ی آلمان پیشنهاد می‌کند که این مهاجران در مدیترانه بازداشت و سپس به تونس، مصر یا کشور دیگری در شمال آفریقا اعزام شوند. آن‌ها آن‌جا در اردوگاه خواهند بود و برای پناهندگی تقاضا خواهند داد. بنا به نقل قول روزنامه‌ی آلمانی از وزارت داخله آلمان، اگر این تقاضا پاسخ مثبت دریافت کند، پناهندگان «در امنیت» به اروپا خواهند آمد.

آلمان درحالی از نظام مهاجرت به سبک استرالیا سخن می‌گوید که دو سازمان حقوق بشری عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل

اطلاعات روز: وزارت امور داخله‌ی آلمان می‌خواهد تا پناهجویان آفریقایی را پیش از رسیدن به سواحل مدیترانه در اروپا متوقف کند. به نقل از رادیو زمانه، روزنامه‌ی آلمانی «ولت آم زونتاک» یک‌شنبه ۱۶ عقرب گزارش داد که سیاست مورد نظر وزارت داخله آلمان برای مبارزه با ورود موج پناهجویان آفریقایی به اروپا از بین بردن «دورنمای رسیدن به اروپا» است.

به گزارش این روزنامه، طرح مورد نظر وزارت داخله آلمان ردگیری قایق‌ها و کشتی‌های حامل مهاجران و پناهجویان روی دریا، سوارکردن افراد حاضر در آن‌ها و بازگرداندن آن‌ها به آفریقا است.

یک نظام به سبک استرالیا

در همین راستا، وزارت داخله‌ی آلمان تنها راه مبارزه با موج پناهندگی و مهاجرت به اروپا را طراحی «یک نظام به سبک استرالیا» توصیف کرده‌است. بر اساس نظام مورد نظر وزارت داخله آلمان، پس از ردگیری قایق‌ها در دریا، مهاجران به اردوگاه‌هایی در یک کشور ثالث فرستاده می‌شوند تا به وضعیت آن‌ها رسیدگی شود.

استرالیا در سال ۲۰۱۳ پس از تصویب قانونی علیه اسکان پناهجویان در خاک این کشور، به نائورو و پاپوآ گینه نو، ملت‌های فقیر و کوچک هم‌جوار در اقیانوس آرام مبالغ قابل توجهی

کارواخال: فشار روی بارسا را بیشتر کردیم

رنال با پیروزی ۳-۰ بر لگانس فاصله صدرنشینی خود را تداوم بخشید.
رنال با وجود ارائه بازی نه چندان خوب، موفق شد با دو گول از گرت بیل و یک گول از موراتا، بر حریف خود پیروز شود.

دنی کارواخال، بال راست رنال در پایان بازی گفت: «بازی ویژه‌ی با لگانس داشتیم. هدف ما کسب سه امتیاز و حفظ صدرنشینی بود. این روزها پیروزی بر هیچ حریفی ساده نیست. لگانس با ۵ دفاع و ۴ هافبک بازی می‌کرد و در نیمه اول به سختی توانستیم فضاهای خالی را پیدا کرده و به این تیم ضربه بزنیم. خوشبختانه با دو گول بیل در اواخر نیمه‌ی اول توانستیم با پیروز به رختکن برویم. در نیمه دوم کار برای ما ساده‌تر شد و یک گول دیگر هم به ثمر رساندیم. خوشحالم که یک هفته دیگر نیز صدرنشین ماندیم. روز گذشته اتلتیکو به سوسیداد باخت. با این برد، فشار روی بارسا را بیشتر کردیم. امیدوارم روند بردهای مان ادامه داشته باشد.»

زیدان: رونالدو مثل من در رئال خداحافظی می‌کند

زین الدین زیدان در پایان بازی با لگانس با خوشحالی از تمدید قرارداد رونالدو با رئال صحبت کرد.
طبق ادعای رسانه‌های اسپانیایی، رونالدو قرارداد خود با رئال را تا سال ۲۰۲۱ تمدید کرده و این خبر امروز اعلام خواهد شد.

زیدان در پایان بازی با لگانس که با برتری ۳-۰ رئال همراه شد و البته رونالدو بازم نتوانست در برنابو گولزنی کند گفت: «رونالدو بی‌همتاست. روی او خداحافظی با پیراهن رئال است. خوشحالم که او در آستانه تمدید قراردادش قرار دارد. او می‌خواهد مثل من فوتبالش را در رئال تمام کند.»

زیدان در مورد انتقاد هواداران رئال از بازی نه چندان خوب این تیم در نیمه اول گفت: «معتقدم هواداران برای تیم و بازیکنان ارزش زیادی قائل هستند. برنابو همیشه همین‌گونه بوده و هواداران وقتی می‌بینند تیم‌شان مثل همیشه بازی نمی‌کند، واکنش انتقادی نشان می‌دهند. ما کارمان را مثل همیشه انجام می‌دهیم. در لالیگای امسال نمی‌توان با کسب ۱۰۰ امتیاز قهرمان شد. هر چه قدر جلوتر می‌رویم، شکست دادن تیم‌ها مشکل‌تر می‌شود. در نیمه اول بازی با لگانس، این مساله را به عینه دیدیم. تنها وقتی دو گول پیش افتادیم توانستیم روی بازی مسلط شویم.»

آگوئرو: از این تساوی احساس بدی دارم

سرخپو آگوئرو، ستاره منچسترسیتی، از تساوی ۱-۱ تیمش مقابل میدلزبورو، ابراز ناراحتی کرد.
آگوئرو به خبرنگاران گفت: «بازی عجیبی بود زیرا ما بازی را در کنترل داشتیم اما در نهایت با احساس بدی بازی را به پایان رساندیم زیرا فکر می‌کنم می‌توانستیم به پیروزی برسیم. ما سه‌شنبه‌شب گذشته، مقابل بارسا بازی فوق‌العاده‌ی ارائه دادیم، برای این دیدار هیجان داشتیم و تلاش کردیم تا به پیروزی برسیم اما همه ما می‌دانیم که بازی‌های لیگ برتر بسیار پیچیده است. هر تیمی می‌تواند شما را شکست دهد و هر اتفاقی ممکن است رخ بدهد. به اتفاقی که امروز رخ داد، نگاه کنید. ما موقعیت‌های زیادی ایجاد کردیم اما آن‌ها نه، ولی بازی در نهایت مساوی شد.»

۸ بازیکن یونایتد در لیست سیاه مورینیو

یونایتد در ۱۰ بازی ابتدایی لیگ برتر تنها در ۴ بازی موفق به کسب پیروزی شده. پس از چنین شروع ضعیفی، مورینیو قصد دارد ۸ بازیکن را در لیست خروج باشگاه برای جنوری قرار دهد.
نمایش‌های ضعیف ممفیس دیپای، مارکوس روخو، دارمیان، شواین اشتایگر، کریک و فیل جونز باعث شده تا این ۶ نفر، بیش از دیگران در خطر جدایی از باشگاه قرار بگیرند و دو نفر دیگر هنوز چانس اثبات خود به آقای خاص و ماندگار شدن در یونایتد را دارند. باید دید انقلاب مورینیو در یونایتد آن‌ها را به نتیجه‌ی که پس از فرگوسن هیچ‌گاه نتوانستند به آن برسند، نزدیک خواهد کرد یا نه.



آلیانز آرنا مقهور در خوشی ستاره افغان

در یکی از مهم‌ترین بازی‌های این هفته بوندس لیگا بایرن با تمام ستاره‌هایش در خانه مقابل مهمان شگفتی‌ساز خود متوقف شد تا این نتیجه سایر مدعیان را خوشحال کند.

باورایی‌ها در حالی که در صدر جدول بوندس لیگا موقعیت خوبی داشتند امیدوار بودند با برتری مقابل هافنهایم همچنان اختلاف خود با سایر تعقیب‌کننده‌ها را افزایش دهند اما نمایش خوب رقیب شگفتی‌ساز و همچنین درخشش یک بازیکن افغانستانی باعث شد تا ستاره‌های سرشناس بایرن در خانه زمین‌گیر شده و دو امتیاز ارزشمند را از دست بدهند.

ندیم امیری هافبک اهل افغانستان باشگاه هافنهایم که در این فصل با بازی‌های فوق‌العاده‌اش تاثیر فراوانی در روند نتیجه‌گیری این تیم داشته در دقیقه ۱۶ مصاف دو تیم با پاسی دیدنی دمیربای مهاجم ترک تبار هافنهایم را در موقعیت گولزنی قرار داد تا آلیانز آرنا در سکوت عجیبی فرو برود گرچه این حالت زیاد دوام نیاورد و بایرنی‌ها

آنچلوتی: می‌توانستیم هافنهایم را شکست بدهیم

کارلو آنچلوتی، سرمربی ایتالیایی بایرن مونیخ تاکید کرد که تیمش برابر هافنهایم لایق پیروزی بوده است.
بایرن مونیخ روز شنبه برابر هافنهایم متوقف شد. آنچلوتی در خصوص این بازی گفت: «با توجه به فرصت‌های زیادی که ایجاد کردیم شایسته پیروزی بودیم اما این فوتبال است و بعضی

کوتنه: نمی‌خواهیم رقبا را به رقابت دعوت کنیم

آنتونیو کوتنه، سرمربی چلسی مدعی شد که قصد ندارد درگیر جنگ با رقبا شود.
آبی‌های لندن پنجمین پیروزی پیاپی خود را شنبه‌شب گذشته در استمفوردبریج با برد ۰-۵ مقابل اورتون به دست آوردند. این پیروزی شاگردان کوتنه را موقتا به صدر جدول لیگ رساند ولی سرمربی ایتالیایی مدعی شد که قصد دارد تمرکزش را روی تیمش بگذارد نه روی رقابت صدرنشینی.
او گفت: «نمی‌خواهیم رقبا را به رقابت دعوت کنیم. باید خودمان را به رقابت دعوت کنیم و روی کار خودمان متمرکز بمانیم نه این‌که دیگران را زیر نظر داشته باشیم. می‌خواهیم پیشرفت کنیم بخش است.»

سیمئونه: توجیهی برای این شکست نداریم

دیگو سیمئونه، سرمربی ارجنتائینی اتلتیکومادرید اعتراف کرد زمانی‌که تیمش شکست می‌خورد، حتما حریف شایسته پیروزی بوده است.

اتلتیکومادرید روز شنبه این هفته، در خانه سوسیداد با ۲ گول مغلوب شد تا دومین شکست در ۳ هفته اخیر را تجربه کند.

سیمئونه گفت: «نیمه اول بازی خوبی به نمایش گذاشتیم اما نتوانستیم به گول برسیم. آن‌ها نیمه دوم را بهتر آغاز کردند و بعد از به دست آوردن پناولی، در پیدا کردن راهی برای بازگشت ناتوان بودیم. آن‌ها شایسته برد بودند و به همین دلیل به آن‌ها تریک می‌گویم. همه بازیکنان بد بازی کردند و این شکست مختص بازیکن خاصی نیست. شرایط آب و هوایی نیز برای دو تیم یکسان بود و تاثیری در نتیجه حاصل شده نداشت. مدتی است

کلوب: اگر سوارز هم بود نیمکت نشین می‌شد

لیورپول دی‌شب موفق شد با ارائه نمایشی مقتدرانه، با ۶ گول از سد واتفورد عبور کرده و به صدر جدول لیگ برتر تکیه بزند.

کلوپ گفت: «از ابتدای فصل تلاش می‌کنیم تا حداکثر امتیازات را جمع آوری کنیم و امیدوارم این روند ادامه پیدا کند. در نهایت نیز مشخص می‌شود که چه رتبه‌ی در جدول نصیب ما خواهد شد. در حال حاضر علاقمند نیستیم تا در مورد جایگاه پایان فصل و عنوان نهایی لیورپول صحبت کنیم و تنها نکته مهم برای من، قدرت لیورپول در ارائه یک فوتبال خوب و پیروز شدن در مسابقات است. از ترکیب تیم و شرایط راضی هستم و اطمینان دارم اگر لوئیس سوارز در لیورپول فعلی بازی می‌کرد روی نیمکت قرار می‌گرفت. بازی کردن به این شکل در همه بازی‌ها دشوار است و این تنها چیزی است که در حال حاضر می‌توانم عنوان کنم. در حال حاضر مهم نیست ما چه جایگاهی در جدول داریم زیرا من می‌دانم که این شرایط در سال‌های پیش نیز اینجا تکرار شده است و بسیاری از مردم شرایط فعلی ما را با آن مقطع مقایسه می‌کنند. اما باید در نظر داشت که همه چیز در اینجا تغییر کرده است و شباهی به ۲ سال قبل یا ۲۵ سال قبل ندارد.»

آلگری: حالا از دوران کاپلو دشوارتر است

یوونتوس دیروز موفق شد با نتیجه ۲-۱ از سد کیه وو گذر کرده و به صدرنشینی ادامه دهد.
آلگری بعد از بازی گفت: «از نمایش بازیکنانم راضی هستم زیرا فرصت‌های متعددی روی دروازه حریف خلق کردیم اما امیدوارم در آینده راحت‌تر پیروز شده و از موقعیت‌های خود استفاده کنیم. بازیکنانم باید بدانند که یک فوتبال ۹۵ دقیقه طول می‌کشد و باید روند مثبت خود را در تمام طول مسابقه حفظ کنند. ایگواین و مانزوکچی هر دو نمایش خوبی داشتند و من از داشتن چنین بازیکنانی خیلی خوشحال هستم.»

مقایسه با یوونتوس تحت هدایت کاپلو: «آن دوران را به شکل خیلی مبهمی به یاد دارم اما باید در نظر داشته باشیم که روز به روز بازی کردن در مقابل رقبا سخت‌تر می‌شود و باید به دنبال راه‌حل‌های جدید باشیم. امروز به فکر کیه وو بودیم و ماموریت بعدی ما گذر از سد پستکاراست. باید مرحله به مرحله پیش برویم و چاره‌ی جز این کار نداریم.»

خوان فران: اطمینان دارم که دربی را از رئال خواهیم برد!

خوان فران، مدافع راست ملی‌پوش اتلتیکو، پس از باخت شنبه‌شب به سوسیداد، در مصاحبه خود با اطمینان از شکست دادن رئال در دربی دو هفته بعد صحبت کرد.
خوان فران در پایان این بازی به خبرنگاران گفت: «هیچ توجیهی برای این باخت نداریم. سوسیداد بهتر بود و مستحق پیروزی. تمام» فران در مورد وضعیت متزلزل اتلتیکو در آستانه دربی برابر رئال گفت: «دو هفته به آن بازی زمان باقی است. ابتدا بازی‌های ملی را پیش رو داریم و سپس زمان کافی برای فکر کردن به رئال مادرید وجود دارد. باید سرمان را بالا بگیریم و با اطمینان به شما می‌گویم که رئال را خواهیم برد.»

کارانکا: والدی یک لیدر برای میدلزبورو است

آیتور کارانکا، سرمربی میدلزبورو، پس از تساوی ۱-۱ تیمش مقابل منچسترسیتی، نمایش ویکتور والدس، دروازه‌بان باتجربه تیمش را مورد ستایش قرار داد.
کارانکا به خبرنگاران گفت: «او واقعا برای تیم مهم است و من واقعا برای او خوشحالم زیرا اولین بازی‌های او خیلی خوب نبود. به عنوان دروازه‌بان، شما نیاز به اعتماد به نفس زیادی دارید. من تلاش کردم تا همه اطمینانم را به او منتقل کنم. من دو-سه هفته قبل گفتم که او نه تنها به خاطر این‌که دروازه‌بان فوق‌العاده‌ی است، اینجاست، بلکه در تیم ماست چون در رختکن یک لیدر است. او یک بازیکن باتجربه است و من همیشه گفتم که او می‌تواند کمک زیادی به ما بکند. او امروز سه واکنش فوق‌العاده داشت، مقابل آرسنال هم به همین خوبی بود. شنبه گذشته مقابل بورنموث هم دو یا سه واکنش خوب داشت. البته فشاری روی او نیست زیرا وقتی او را می‌خریدیم، به او گفتم که دیگر دروازه‌بانی که در بارسا بود، نیست زیرا اگر در آن سطح بود، همانجا می‌ماند.»





انتخابات امریکا؛ تأکید ترامپ بر ادامه کارزار انتخاباتی پس از خدادامینتی در نوادا

بنابر اعلام مقام‌های برگزاری انتخابات در ایالت‌های مختلف امریکا، تاکنون حدود ۳۷ میلیون نفر با حضور در حوزه‌های رای‌گیری، پیش از موعد رای داده‌اند.



آقای ترامپ برآورد می‌کند در حالی که دو ماه پیش (سپتامبر) خانم کلینتون با ۶ درصد پیش‌تاز بود. اما همزمان، در یک نظرسنجی دیگر که مؤسسه‌ی یو-گاو انجام داده، خانم کلینتون را با سه درصد جلوتر از دونالد ترامپ، برنده احتمالی انتخابات روز سه‌شنبه (هشتم نوامبر) حدس زده است. این در حالی‌ست که در بسیاری از ایالت‌ها چون فلوریدا، آریزونا، و نوادا که افراد می‌توانند زودتر از روز رسمی رای‌گیری (روز سه‌شنبه ۸ نوامبر) هم رای بدهند، گزارش‌ها از حضور پرتعداد رای‌دهندگان لاتین تبار حکایت دارد. این گزارش‌ها میزان مشارکت لاتین‌تبارها در پای صندوق را حتی بیشتر از انتخابات قبلی (۲۰۱۲) ارزیابی کرده‌اند؛ خبری که می‌تواند برای دموکرات‌ها خوشحالی به همراه داشته باشد چرا که امریکایی‌های لاتین‌تبار در چند دهه‌ی اخیر از نامزدهای دموکرات حمایت کرده‌اند. خبر خوش دیگر برای طرفداران حزب دموکرات امریکا این است که تحلیل‌گران در ایالت نوادا، بر اساس نظرسنجی‌هایی که از رای‌دهندگان پیش از موعد به‌عمل آمده، هیلاری کلینتون را پیش‌تاز آرا در این ایالت حساس معرفی کرده‌اند.

همزمان گزارش‌ها حاکی است که نامزد حزب جمهوریخواه امریکا در دو روز باقی‌مانده به آغاز رای‌گیری تصمیم گرفته به چند ایالت دموکرات این کشور سفر کند بلکه بتواند آرای بیشتری را در این مناطق به سوی خود جلب کند. او تصمیم گرفته در این آخرین ساعات کارزار انتخاباتی به پنسیلوانیا، میشیگان و مینه‌سوتا سفر کند؛ ایالت‌های دموکراتی که در چند دهه‌ی اخیر همواره به نامزدهای ریاست‌جمهوری حزب جمهوریخواه پشت کرده‌اند و برای مثال، مینه‌سوتا از سال ۱۹۷۲ تا امروز هیچ‌گاه به نامزد جمهوریخواهان رای نداده است.

نظر سنجی‌ها
 در حالی که تازه‌ترین نظرسنجی‌ها از ادامه پیش‌تازی هیلاری کلینتون، نامزد حزب دموکرات، خبر می‌دهد، نگرانی از خبر تحقیق دوباره اف.بی.آی. از پرونده‌ی استفاده‌ی خانم کلینتون از ایمیل شخصی‌اش در دوران صدارت وزارت خارجه، دموکرات‌ها را مضطرب و جمهوریخواهان را هیجان‌زده کرده است. نظرسنجی کشوری مؤسسه‌ی مک کلاچی-ماریست که روز (شنبه) پنجم نوامبر منتشر شد از پیش‌تازی بسیار اندک خانم کلینتون خبر می‌دهد؛ این نظرسنجی او را تنها با یک درصد برتری نسبت به

اطلاعات روز: علیرغم یک حادثه‌ی امنیتی در کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا، وی تأکید کرده است که در ساعات پایانی این کارزارها به تبلیغات و فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. این حادثه‌ی امنیتی در کارزار تبلیغات انتخاباتی آقای ترامپ در نوادا رخ داد. در جریان این رخداد، مأموران امنیتی آقای ترامپ را که در حال سخنرانی بود از محل خارج کردند. براساس گزارش‌ها، پس از دقایقی آقای ترامپ به محل سخنرانی برگشت و به سخنان خود ادامه داد. به نقل از بی‌بی‌سی، گزارش شده است که در جریان سخنرانی آقای ترامپ مردی از سوی پولیس برای کوتاه‌مدتی بازداشت شد، اما سلاحی در این حادثه استفاده نشده و مأموران امنیتی چیزی پیدا نکردند. این مرد بازداشت شده که نامش استن کریستیس است، به بی‌بی‌سی گفته است که در اجتماع تبلیغاتی آقای ترامپ، هنگامی که وی قصد داشت یک پلاکارد مخالفت با این نامزد انتخاباتی را به نمایش بگذارد، مردم حاضر بر روی وی ریختند و مانع اقدام وی شدند.

داریانا افغان هوائی شرکت

ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana
 ariana.afghan.ariana
 twitter.com/flyARIANAafghan
 youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333
 +93(0)700071333
 +93(0)790071333
 +93(0)786071333
 www.flyariana.com
 info@flyariana.com

داریانا افغان هوائی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوائی و ایجاد سهولت به هوطنان عزیز تخفیف‌های ویژه را در قیمت تکت‌ها قرار ذیل ارائه نموده است.

- 30% تخفیف برای دیپلمات‌های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 25% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزشکاران پر افتخار تربیت بدنی و المپیک
- 20% تخفیف برای افراد دارای معلولیت

دولتی بیوستون پروگرام له رسمی پای ته رسیدو وروسته، د بناری ترون ملی پروگرام ددی خای نیسی او دیادونوی و ده چی د ملی بیوستون پروگرام قوی او کمزوری نبینی دلرووی، د هغه د کمزورو نبینو نه مو یو څه زده کړه او په پیاوړو نبینو مو چی یوه لاسته راوړنه ده، پانگه اچونه وکړه. د بناری ترون ملی پروگرام په طرح او دیزاین کې له څلورو مهمو اصلونو نه استفاده شوې چې په لاندې ډول دي.

لومړې: د هیواد اساسی قانون دوهم فصل چی د هیواد د خلکو په اړه دی.

دوهم: د لندن په کنفرانس کې دافغانستان د اسلامی جمهوری دولت د ولسمشر کتنه او ژمنه.

دریم: د هغو اساسی خدمتونو تثبیت چی د پراختیایي شوراگانو غړو په وسیله د تیرکال په مشورتې غونډه کې د ټولو په خوښه حکومت ته یې وړاندیز وشو.

څلورم: هغه تجربی چی د ملی بیوستون پروگرام نه مو لاسته راوړې.

د ولسی ترون ملی پروگرام د لسو کلو له پاره دیزاین شوې او په دری پروونو کې به تطبیق شی. په لومړې پړاو کې چی د هیواد دریمه برخه یعنی (۱۷) ولسوالی او (۱۲) زره کلی د هیواد په (۳۴) ولایتونو کې د شاوخوا یو میلیارد یعنی یو زرمیلیونو دالر بودجی په درلودو سره تر پوښښ لاندې راولی. دغه کلی او ولسوالی ډیرو واضح معیارونو په درلودو له والیانو سره په تفاهم او د ملی یووالي حکومت درهبری په تأیید سره تثبیت شوی. ددې پروگرام له لارې، دغه لاندې اساسی خدمتونه چه دخلکو له خوا یی وړاندیز شوې، وړاندې کیږی:

لومړې: هغه روغتیایی خدمتونه چی مسؤولیت یی د عامې روغتیا وزارت په غاړه لږې.

دوهم: د ښوونې او روزنې اساسی خدمتونه چی مسؤولیت یی د معارف وزارت په غاړه دی.

دریم: د کرنیزې تکنالوژی ښه والی او رواجول، چی مسؤولیت یی د کرنې وزارت په غاړه دی.

څلورم: داوبولگولو دورې زیربنا بیارغول، دڅښاک اوبو برابرول، د تجدید وړ انرژې برابرول او دکلیوالي سړکونو جوړول د کلیو دبیارغونې او پراختیا وزارت مسؤولیتونه دی.

دیادونې وړ ده چی د خدمتونو وړاندې کول لکه روغتیایی خدمتونه، ښوونه او روزنه او دڅښاک اوبه حتمی دی او نور پورتنی خدمتونه د خلکو د لومړیتوبونو او د اقتصادیتوب له پلوه به وړاندې شی.

جالاتماب ولسمشر او قدردمنو حاضرینو!

اجازه راکړی چی د ولسی ترون او ملی بیوستون د برنامه به توپیر او متوقع لاس ته راوړنو باندې مختصراً رڼا واچوم.

اول: د ولسی ترون برنامه دخلکو او حکومت ترمنځ یو قرار داد دی چی دواړه خواوې خپل وظایف او مسؤولیتونه لږی او د شفافیت تضمین او دهغه رعایت د څارنې د میکانیزم طرحه او په ټولو برخو کې د راپور ورکونه او شکایتونه ته رسیدگی ددې برنامه د مهمو اصولو څخه دی.

د ولسی ترون ملی پروگرام، یوه ژمنه ده

د بناری ترون ملی پروگرام په پرانسته غونډه کې د کلیو دبیارغونې او پراختیا وزیر انجنیر نصیر احمد درانی وینا:

جالاتماب جمهور رییس، جالاتماب اجاریه رییس او د کابینې ښاغلو غړو د مرستو کوونکو هیوادونومحترمو استازو، د کلیو اوبنارونو د انکشافی شوراگانو استازو او قدردمنو ژورنالستانو السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

دولسی ترون د ملی برنامه پرانستې غونډی ته تاسوته هرکلی کوم او ښه راغلاست. تاسوته معلومه ده چی د ملی وحدت د حکومت دوه کاله پوره کیږی. ددې لپاره چی دوعدی سره سم د کلیو او ښارونو د متوازن انکشاف تحقق ومومی، دولسی ترون د ملی برنامه پرانسته تر سره کیږی. د یادولو وړده چی د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت په تیر یو کال کې د خپلو شریکانو سره د ولسی ترون د طرحی او دیزاین ترڅنگ خپلی انکشافی پروژې په ټول افغانستان کې د پلان سره سم تطبیق او گټې اخستې ته سپارلی او په وزارت کې د یو ریفورم پروسه هم په مخ ځی.

همدا ډول د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت په کلیو او بانډو کې د بیکاری د کچې د کمولو او پراختیایي پروژو د بیارغونې په خاطر د سولې لپاره د کار ملی برنامه هم پیل کړه.

د کارموندني پروگرام لومړي پړاو د (۱۳۹۴) کال د لیندې میاشت کې په (۳۷۳۴) شوراگانو د هیواد په دوولسو ولایتونو کې یعنی ننگرهار، کنړ، لغمان، خوست، هرات، فراه، کندهار، جوزجان، بلخ، کندز، بغلان او فاریاب کې پیل شو چی تطبیق یی د (۴۵۰۰) پروژو د ساتنی او څارنی لامل شو او (۲۳۵۰۰۰) زرو تنو د لنډ مهاله کار زمینه برابره شوه.

ددې پروگرام دوهم پړاو تیره میاشت په (۱۳۹۴) شوراوو کې په پنځه ولایتونو کې لکه هرات، غور، بادغیس، فراه او بامیانو کې پیل شو چی ددې پنځو ولایتونو (۷۶۱۹۰) تنو هیوادوالو ته به د لنډ مهاله کار زمینه برابره شی.

ددې پروگرام دریم پړاو چی پدې وروستیو کې پیل شوې ټاکل شویده دهیواد د (۱۹) ولایتونو په (۹۷) نورو ولسوالیو کې په عملی توگه تطبیق شی، هیله کیږی چی ددې پروگرام په تطبیق سره په د (۱۹) ولایتونو چی (۶۲۹۷) شوراگانې پکی شاملې دی زمونږ (۲۹۵۰۰) تنو هیواد والو ته یی د لنډ مهاله کار دزمینی د برابرولو لامل شو. په خلاصه ډول ددې پروگرام د دریو پړاوونو په تطبیق سره، ټولټال زمونږ (۶۰۶۱۹۰) هیوادوالو ته لنډ مهاله کار او د هیواد د پوهنتونونو فارغانو او ځوانانو ته د دوامداره کار زمینی مینخته راغلی دی.

درنو حاضرینو!

د ملی بیوستون پروگرام د ۲۰۰۳ میلادي کال د سپتمبر په میاشت کې د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت په چوکاټ کې را منځته شوه. دې برنامه پخپل دیارلس کلن عمر کې ۸۸۷۰۰ پروژې په بیلا بیلو سکتورونو کې تطبیق او عملی کړیدي او ددې پروژو د تطبیق په نتیجه کې ۵۴ میلیونه کاري ورځې زموږ په کلیو او بانډو کې را منځته شویدي. د ملی بیوستون د پروگرام له لارې د هیواد په ۸۵ سلنه کې څه د پاسه ۳۵ زره انکشافی شوراگانې هم جوړې شویدي.